

نبرد خلق

ربودن
عبدالله اوجالان
را محکوم می کنیم

کارگران همه کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

NABARD - E - KHALGH No 165 .20 Feb 1999
\$ 1 . 2 DM . 7 Fr

شماره ۱۶۵ دوره چهارم سال پانزدهم - اول اسفند ۱۳۷۷
آمریکا و کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۲ فرانک

یادداشت سیاسی ماه —

سرانجام وزارت کشور روز ۲۸ بهمن پروسه تعیین صلاحیت کاندیداهای شوراهای اسلامی را خاتمه یافته اعلام نمود و از روز ۲۹ بهمن تبلیغات کاندیداها شروع شد که به مدت یک هفته ادامه دارد. در جریان تعیین صلاحیت کاندیداها، جدال سختی بین «هیأت نظارت» و «هیأت اجرایی» به وجود آمد. «هیأت نظارت» مرکزی، صلاحیت بسیاری از مهمترین چهره های طرفدار خاتمی را براساس بند «دال» ماده ۲۶ قانون انتخابات رد نمود. براساس این بند کاندیداها باید «اعتقاد و التزام به اسلام و ولایت مطلقه فقیه» داشته و به «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» وفاداری کنند.

از میان کسانی که صلاحیت آنان رد شده، تنی چند از مشاورین عالی خاتمی، نمایندگان سابق مجلس، وزرای سابق دیده می شوند. جالب این است که «هیأت نظارت» صلاحیت عبدالله نوری که صلاحیت وی از طرف شورای نگهبان برای انتخابات دور پنجم مجلس ارتجاع تایید شده بود را نیز رد کرد. عبدالله نوری در حال حاضر نه فقط مشاور خاتمی، بلکه عضو شورای تشخیص مصلحت نظام نیز می باشد. سوابق وی در خدمت به نظام ولایت فقیه از بسیاری گردانندگان فعلی رژیم بیشتر است. رد صلاحیت تعدادی از طرفداران خاتمی یک بحران در رژیم ایجاد و منجر به کشمکشهای بسیار بین «هیأت نظارت» و «هیأت اجرایی» شد. سرانجام بین جناحهای مختلف بر سر ایجاد یک کمیته پنج نفره حل اختلاف توافق به عمل آمد. اعضای «کمیته حل اختلاف» شامل علی زاده، عضو حقوقدان شورای نگهبان و نماینده مجلس، تقدیسیان نماینده خاتمی، حسن سلیمانی نماینده هیأت مرکزی نظارت، محمد اصغری نماینده وزیر کشور و حبیبی به عنوان نماینده مورد قبول رؤسای قوه مجریه و مقننه می باشد. ترکیب این «کمیته» در مجموع به سود خاتمی و «هیأت اجرایی» است.

بقیه در صفحه ۲

خطراتی از زندان (۳)

در صفحه ۱۲

فرازهایی از بهمن خونین

در صفحه ۱۳

جشن بیست و هشتمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

رفیق مهدی سامع پیرامون شرایط به وجود آمدن جنبش پیشتاز فدایی و شرایط کنونی سخنرانی نمود.

در این مراسم گروه هنری ارس واحد موسیقی کارگاه هنر ایران، ترانه سروده های انقلابی اجرا نمود.

در بخش پرسش و پاسخ به سؤالات شرکت کنندگان پاسخ داد. در این برنامه همچنین بیانیه سازمان به مناسبت ۱۹ بهمن قرائت شد. در این مراسم گروه هنری ارس واحد موسیقی کارگاه هنر ایران به اجرای ترانه سرودهای فراموش نشدنی پرداخت که مورد استقبال پر شور شرکت کنندگان قرا گرفت. در جنبش بیست و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل، تعدادی از اعضای شورای ملی مقاومت ایران شرکت داشتند.

روز شنبه ۲۴ بهمن برابر با ۱۳ فوریه، به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، مراسمی در شهر کلن (آلمان) برگزار شد. سخنران این مراسم، رفیق مهدی سامع سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان در مراسم و تشکر از آنان به شرایط به وجود آمدن رستاخیز سیاهکل و نیز تحلیل شرایط کنونی و چشم اندازهای آن پرداخت. (متن سخنرانی سخنگوی سازمان در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است) و در پایان برنامه نیز

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد

• خمپاره باران مرکز وزارت اطلاعات

• وزیر اطلاعات خاتمی کیست

• اعلام موجودیت حزب دولتی «کار»

در صفحه ۸

دیدگاهها —

• شوراها، مصالح دموکراسی

• رد پای «روپاه صحرا»

• «نظم نوین» چنگ و دندان نشان می دهد

در صفحه های ۹ تا ۱۱

فرهنگ و هنر —

• محمد مامله هنرمند برجسته کرد درگذشت

• نمایش تئاتر و فیلم

• سوء استفاده رژیم از سینما

• نمایشگاه نقاشی در پاریس

صفحه ۶

پیام همبستگی رئیس سناتورهای حزب

احیای کمونیستی ایتالیا در رابطه با

بیست و هشتمین سالگرد تولد

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در صفحه ۲

متن سخنرانی رفیق مهدی سامع در

مراسم گرامیداشت بیست و هشتمین

سالگرد رستاخیز سیاهکل

در صفحه ۴

بین الملل بی پرسنیها

در صفحه ۱۶

یادداشت و گزارش

در صفحه ۷

یادداشت سیاسی ماه

بقیه از صفحه ۱

کمیتة حل اختلاف برای فیصله دادن به این بحران که می توانست اساس این نمایش انتخاباتی را زیر سؤال ببرد. شرط جدیدی برای کاندیداهایی که صلاحیت آنان براساس بند «دال» ماده ۲۶ قانون انتخابات رد شده بود. در نظر گرفت. براساس این شرط این کاندیداها در صورتی که کتاب التزام عملی خود به ولایت مطلقه فقیه را اعلام کنند. صلاحیت آنان تایید شده است. به دنبال این تصمیم افرادی مثل عبدالله نوری، سعید حجاریان، جمیله کدیور، محمد ابراهیم اصغر زاده و... طی نامه ای اعلام نمودند که به خاطر «احترام» به خاتمی این شرط را می پذیرند و یک «اقرار نامه» براساس بند «دال» ماده ۲۶ امضاء نمودند. در واقع جناح خاتمی از کانال «کمیتة حل اختلاف» با قبول این شرط که به نوعی «تحقیق» نیروهای خود می باشد. یک امتیاز به خامنه ای داده تا بتواند در جدال انتخاباتی به وی ضربه وارد کند. وقتی «هیأت مرکزی نظارت» صلاحیت مهمترین مهره های طرفدار خاتمی را تایید نکرد، روزنامه همشهری در شماره روز ۷ بهمن خود خطاب به طرفداران خامنه ای نوشت: «پیش از آن که کشتی انقلاب در دریای بدگمانی ملی غرق شود. به خود آییند و کاری کنید» اما «هیأت نظارت» که هر نوع سازشی را به ضرر جناح خامنه ای می دید حاضر نبود قدمی در جهت سازش بردارد. اما این گونه تصفیه کردن که حتی سرسپرده ترین عناصر به رژیم فاقد صلاحیت اعلام شوند. نمی توانست با واکنش گسترده جناح خاتمی روبرو نشوند و در اینجا نیز خامنه ای از کانال ناطق نوری با توافق بر سر ایجاد یک «کمیتة حل اختلاف» تن به یک سازش و عقب نشینی داد. به دنبال فیصله یافتن نسبی ماجرای تایید صلاحیتها، جناحها و باندهای مختلف درون رژیم دست به یارگیری و جبهه بندی نمودند. روزنامه خرداد در شماره روز ۲۸ بهمن خود از ائتلاف بزرگ گروههای خط امام خبر داد. این ائتلاف از ۱۳ گروه تشکیل شده و طرفداران خاتمی را شامل می شود. کاندیداهای این ائتلاف برای تهران عبارتند از «عبدالله نوری. عباس دوزدوزانی، سعید حجاریان، احمد حکیمی پور، حسن درویدیان، رحمت الله خسروی، داوود سلیمانی، حسین حقیقی، مرتضی لطفی. محمد عطریان فر، ابراهیم اصغرزاده، محمد علیزاده، طباطبایی، صدیقه وسمقی، جمیله کدیور و فاطمه جلائی پور».

گروه کارگزاران، یعنی جناح طرفدار رفسنجانی بر سر ۱۱ کاندیدا با جناح خاتمی به توافق رسید. ولی به جای صدیق وسمقی، عباس دوزدوزانی، داوود سلیمانی و حسین حقیقی، ۴ نفر دیگر را معرفی کرد. محمد غرضی، غلامرضا فروزش، محمد اصغری و روشنگر سیاسی افرادی هستند که کارگزاران علاوه بر ۱۱ نفر مورد توافق با «ائتلاف بزرگ» معرفی کرده اند. کاندیداهای این دو جناح، در مقابل کاندیداهای جناح خامنه ای قرار گرفته اند.

مسلم است که سران رژیم، تعداد شرکت کنندگان در این نمایش انتخاباتی را چندین برابر شرکت کنندگان واقعی اعلام خواهند کرد. اما نتیجه نهایی انتخابات استان تهران و نسبت آرای

کاندیداهای مختلف جناحها می تواند تصویر و ارزیابی روشن تر از توازن قوای کنونی در رژیم را نشان دهد.

براساس آخرین آمار که وزارت کشور رژیم اعلام کرده (روزنامه اطلاعات ۸ بهمن) جمعیت واجدین شرایط برای شرکت در این نمایش انتخاباتی ۳۹ میلیون و ۳۱ هزار و ۲۷۱ نفر است که قرار است در ۵۴ هزار شعبه انتخاباتی رأی خود را به صندوقها بریزند. بنابراین جناحها و باندهای مختلف رژیم می کوشند تا در تمام حوزه ها به نوعی علیه جناح رقیب به تقلب متوسل شوند و نتیجه نهایی را به سود خود ورق زنند. هم زمان سران رژیم می کوشند تا از این نمایش انتخاباتی به سود کل رژیم بهره برداری کنند. اما انجام چنین انتخابات ضد دموکراتیک، آنهم در چنین شرایط بحرانی، با هر نتیجه ای که برای جناحهای مختلف داشته باشد. کل نظام ولایت فقیه را تضعیف و بحران موجود در آن را تشدید خواهد کرد. پس از پایان این اقدام. مردم باز هم به مبارزه علیه کل حکومت با شدت و وحدت بیشتری ادامه خواهند داد و چشم انداز سرنگونی آن را نزدیک تر می کنند.

بازسازی سلاحهای کشتار جمعی ناو هواپیما بر جدید فرانسه

ناو هواپیما بر شارل دوگل که با نیروی فناوری جدید اتمی حرکت می کند. از بندر برست بیرون کشیده شد و برای اولین سفر خود به اقیانوس آتلانتیک رفت. این هواپیما بر که ۴۰ هزار و ۶۰۰ تن وزن، ۲۵ طبقه ارتفاع و ۲۰۰۰ پرسنل دارد برای اولین سفر خود در اقیانوس برای آزمایش دو نیروگاه اتمی اش و ثبات عرشه عظیمش، توسط هفت قایق کشتی کشی از طریق یک کانال باریک به اقیانوس کشیده شد.

شارل دوگل زمانی که در سال ۲۰۰۰ وارد خدمت شود بزرگترین کشتی نیروی دریایی فرانسه خواهد بود. این ناو برای ۱۰ روز در آبهای اقیانوس تواناییهای عملیاتی خود را آزمایش خواهد کرد. این ناو به قیمت ۱۹ میلیارد فرانک (۲/۸۶ میلیارد یورو یا ۳/۴ میلیارد دلار) ساخته شده. جای ناو هواپیما بر فوش ۳۵ ساله را خواهد گرفت که با نیروی متعارف به حرکت در می آید و در حال حاضر در تولون برای تعمیرات سیستم پروانه آبی اش پهلوی گرفته است. شارل دوگل بیش از ۱۰ سال تحت ساختمان سازی بوده، هم در بودجه و هم در طراحی با مشکلاتی روبرو بود. آخرین مشکل در ماه نوامبر گذشته این نگرانی بود که از دو نیروگاه اتمی اش تشعشعات به بیرون درز کرده باشد که منجر به منزوی سازی بیشتر آنها شد.

زمانی که این ناو با ۴۰ جت رافائل و هواپیماهای الکترونیک هشدار دهنده هاکی ای - ۲ می مجهز شود، هزینه آن با احتساب تحقیق، توسعه و دیگر مخارج. به ۴۰ میلیارد فرانک (۶ میلیارد یورو یا ۷/۲ میلیارد دلار) یعنی معادل نیمی از هزینه تونل زیر کانال مناش که فرانسه و بریتانیا را به هم وصل می کند، خواهد رسید. ایالات متحده ۱۰ هواپیما بر بانویری محرکه اتمی دارد. بعد از آن فرانسه تنها کشوری است که هواپیما برهایی با کمانهای بخار [برای سرعت دادن و پرتاب هواپیماها هنگام صعود] و کابلهای نگه دارنده [برای کمک در توقف هواپیما هنگام فرود] که اجازه می دهد هواپیماهایی که بیش از ۲۰ تن وزن دارند بتوانند از روی عرشه بلند شوند و بر روی آن بنشینند، دارد.

پیام همبستگی رئیس سناتورهای حزب احیای کمونیستی ایتالیا در رابطه با بیست و هشتمین سالگرد تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

رفقای عزیز

در بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد پایه گذاری سازمان، برای شما هرگونه موفقیت دموکراتیک در مبارزه سیاسی. اجتماع را آرزو دارم.

همان طور که می دانید گروه ما همیشه خواهان بهترین رابطه با شما برای یک کار مشترک بوده و معتقدیم که همکاری با روند دموکراتیزاسیون در مناطق با اهمیت جهان، وظیفه کمونیستهای اروپایی برای همکاری در راه صلح و عدالت می باشد.

دقیقا به همین دلیل به سیاست وزیر خارجه ایتالیا در مقابل رژیم ایران بسیار انتقاد داریم. چنین به نظر می رسد که در این رابطه یک سیاست تجاری دنبال می شود و آن هم فقط برای حفظ منافع ایتالیا در ایران و به قیمت رها کردن هرگونه فشار و شرط بین المللی در رابطه و به نفع حقوق بشر، حقوق اجتماعی و پیروسی های دموکراتیزاسیون بدانند که پشتیبانی ما از مبارزه سرسختان علیه رژیم و علیه سیستم تئوکراتیک، با حداکثر تعهد ادامه خواهد داشت.

جوآنی روسو اسپینا

رئیس سناتورهای حزب احیای کمونیستی

۱۰ فوریه ۱۹۹۹

بیست و هشتمین سالگرد رستاخیز

سیاهکل، بنیانگذاری سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران گرامی باد

روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ گروهی از رزمندگان فدایی با حمله مسلحانه به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل. جنبش نوین کمونیستی ایران را وارد مرحله نوینی کردند. به دنبال این رویداد و طی چندین روز نبرد مسلحانه. جنگلهای سرسبز سیاهکل با خون رفقای شهید. رحیم سمائی و مهدی اسحاقی لاله گون شد و عده ای دیگر از رزمندگان به اسارت مزدوران شاه درآمدند که در اسفند ماه همان سال با جمعی دیگر از رفقای فدایی طی یک محاکمه فرمایشی به اعدام محکوم گشته و تیرباران گردیدند. ضمن گرامیداشت یاد تمامی شهدای فدایی و حماسه آفرینان حماسه سیاهکل. بیست و هشتمین سال بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به تمامی ادامه دهندگان راه آنان تبریک می گویم. و در راه رسیدن به اهداف انقلابی سازمان و سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم بر کشورمان آرزوی پیروزی و سربلندی داریم.

جمعی از فعالان و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - آذربایجان



اخبار کارگری

کارگران برای دریافت حقوق عقب افتاده تجمع کردند

اخبار گوناگون

طی شش سال گذشته ۴۰۰ هزار کارگر از کارخانه ها اخراج شده اند

روزنامه رسالت در شماره روز ۱۱ بهمن می نویسد: رئیس هیأت مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران گفت: از ابتدای سال ۷۰ تا پایان سال گذشته، اخراج ۴۰۰ هزار نفر از کارگران کارخانه های کشور از سوی هیأت های تشخیص ادارات کار و امور اجتماعی مورد تایید قرار گرفته است. پرویز احمدی تصریح کرد، با وجود این تعداد اخراج باز عده ای معتقدند باید قانون کار را اصلاح کرد که در حقیقت با این کار قصد صدور مجوز قانونی برای اخراج کارگران از واحدهای تولیدی برای خود دارند. وی همچنین گفت: بیشتر آمار اخراج مربوط به کارگران استان تهران در سالهای ۷۴ تا ۷۶ مربوط به شهرستان کرج بوده است. به گفته وی تعداد آرای اخراج کارگران در سالهای ۷۳، ۷۴، ۷۵ به ترتیب ۸۲ هزار و ۷۲۱ نفر و ۹۲ هزار و ۴۹۷ نفر و ۷۸ هزار و ۸۸۸ نفر از کارگران بوده است. احمدی عدم امنیت شغلی کارگران را از مهمترین مشکلات و معضلات جامعه کارگری ذکر کرد و اظهار داشت، برخی از کارفرمایان با اجبار کارگران را به تنظیم قراردادهای موقت به صورت قراردادهای سفید و یا انشاء ظرفین و یا در قبال اخذ سفته و چک از سوی کارگر و بدون ذکر شروع و پایان کار کارگر در آن واحد تولیدی اقدام می کنند که در صورت کوچکترین اعتراض از سوی کارگر به حقوق دستمزد و ... حکم اخراج کارگر صادر می شود.

اعتراض کارکنان مؤسسه جهاد نصر

کارکنان مؤسسه جهاد نصر شمال غرب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات خود در محوطه این مؤسسه تجمع کردند. تعدادی از این افراد در گفتگو با خبرنگار ما عدم پرداخت حقوق ۴ ماه قبل، حق مامویت، کارانه و مابه التفاوت حقوق را از جمله موارد اعتراض خود اعلام کردند و گفتند: علیرغم فعالیت ماموین آلات مؤسسه و ایجاد درآمد، این مؤسسه از پرداخت حق و حقوق کارکنان خود خودداری می کند. این عده همچنین افزودند: با توجه به این که اکثر پرسنل این مؤسسه از اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه هستند عدم پرداخت حقوق، آنان را در تامین زندگی روزمره، پرداخت اجاره مسکن و هزینه های درمانی خانواده های خود با مشکل مواجه ساخته است. آنان همچنین گفتند: از سال ۷۵ تعداد ۱۳۰ نفر از پرسنل با فروش وسایل زندگی و واریز مبلغ ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال در تعاونی مسکن عضو شدند که پس از گذشت چند سال نه زمینی با آنان واگذار شده و نه اصل سپرده آنان مسترد می گردد. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴/دی/۷۷

حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت نخ کار به دلیل عدم دریافت حقوق، در برابر وزارت کار تجمع کردند. شرکت نخ کار حدود ۶۰۰ کارگر دارد. یکی از کارگران تجمع کننده به خبرنگار ما گفت: چندی پیش نمایندگان شورای اسلامی کارخانه نخ کار با مسئولین وزارت کار صحبت کرده اند اما به توافق نرسیده اند و کارگران برای به دست آوردن حقوق حقه خود دست به این تجمع زده اند.

همشهری ۶/بهمن/۷۷

نامه یک کارگر به روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲/دی/۷۷

مدت ۱۳ سال در شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون در شهرستان شوشتر به طور فصلی مشغول به کار بودم. در تاریخ ۱۹/مهر/۷۶ مرا با هشت سر عائله اخراج کردند به اداره کار شوشتر شکایت بردم متأسفانه این اداره نیز بدون هیچ گونه سؤال و جواب اقدام کارفرما را تأیید کرد. آیا قانونی وجود ندارد تا از من دفاع کند. آیا پس از ۱۳ سال بریدن نی و خدمت به شرکت کشت و صنعت حال باید ما را بیرون بیاندازد؟

تجمع اعتراضی

صدها تن از کارمندان ادارات و شرکتهای دولتی روز سه شنبه بعد از ظهر در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی تجمع کرده و علیه وزیر کار و سردمداران رژیم آخوندی شعار دادند. روی پلاکاردهای آنها نوشته شده بود «ما ۱۳ ماه است حقوق نگرفته ایم». بنا به اخبار رسیده در ساعت ۴ بعد از ظهر، نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران مداخله کرده و برای جلوگیری از گسترش اعتراض با باتوم به کارمندان تهاجم نمودند. این درگیری تا چند ساعت ادامه داشت و تنها با دستگیری گروهی از اعتراض کنندگان نیروهای سرکوبگر رژیم موفق به پراکنده کردن جمعیت شدند. روز جمعه نیز سپاه پاسداران رژیم تحت عنوان حفاظت از نماز جمعه به روی تظاهرات و اعتراض دانشجویان در دانشگاه تهران آتش گشودند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران/۱۱/۹/۷۷

۶۰۰ هزار جوان بیکار در گیلان

نزدیک به ۶۰۰ هزار تن از جوانان استان گیلان بیکارند و اغلب آنان برای گذراندن زندگی خود به دستفروشی روی آورده اند. روزنامه کار و کارگر در شماره ۴ بهمن ضمن درج این مطلب از قول شهردار رشت می نویسد: «در سال جاری ۱۵۰ دستگاه چرخهای دستی از دستفروشان جمع آوری شده است.»

بزرگداشت بیستمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی در ۲۱ شهر اروپا و آمریکا

دبیرخانه شورای ملی مقاومت روز ۲۶ بهمن طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: هزاران تن از ایرانیان هوادار مقاومت ایران با شرکت در مراسم با شکوهی در آلمان (کلن، هامبورگ، کلسروهه)، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هلند، دانمارک، سوئد (استکهلم و یوتبوری)، نروژ، بلژیک، سوئیس، آمریکا (واشنگتن، لس آنجلس و هوستون)، کانادا (تورنتو، اتاوا و ونکوور) و استرالیا (سیدنی و ملبورن) بیستمین سالروز انقلاب ضد سلطنتی را گرامی داشتند. آنها همچنین خاطره مجاهدین شهید اشرف رجوی و موسی خیابانی و ۱۸ تن از یارانشان را که ۱۷ سال پیش در چنین روزهایی در حمله پاسداران در تهران به شهادت رسیدند، گرامی داشتند.

آمار مرگ و میر زنان

آمار سازمان بهداشت جهانی نشان می دهد که تقریباً سالانه ۶۰۰ هزار زن در سراسر جهان به خاطر مشکلات ناشی از دوران حاملگی و یا زایمان جان خود را از دست می دهند. از این تعداد ۸۰ هزار نفر فقط به خاطر سقط جنین غیر بهداشتی از بین می روند. این آمار با وجود تعهدی است که ۱۷۹ کشور ۵ سال پیش در یک کنفرانس جمعیت در قاهره برای دسترسی به بهداشت بهتر تقبل نمودند. آمار مرکز قوانین و سیاستهای تولید مثل نشان می دهد که هر ساله ۲۰ میلیون سقط جنین غیر بهداشتی در سراسر جهان صورت می گیرد. در برخی از کشورها زنانی که سقط جنین می کنند، فوراً به زندان افکنده می شوند.

خبرگزاری فرانسه ۲۳/بهمن/۷۷

رژیم آخوندی یک هوادار مجاهدین را در ملاء عام در نهبوند به دار آویخت

رژیم ضد بشری ملایان، در ساعت ۵/۳۰ بامداد روز چهارشنبه، ۳۰ دی، یک هوادار مجاهدین به نام امرالله (حمید) رئیس را در میدان مرکزی شهر نهبوند (غرب ایران) تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر به دار آویخت.

آقای رئیس که در اوائل دهه ۱۳۶۰ به جرم هواداری از مجاهدین دستگیر شده بود، پس از تحمل شکنجه های فراوان به ۴ سال زندان محکوم شد. وی پس از آزادی از زندان، مجدداً توسط وزارت اطلاعات دستگیر و محاکمه و ابتدا به چهار سال زندان و سپس به اعدام محکوم شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدام سرکوبگرانه، شهادت مجاهدین خلق، امرالله رئیس را به خانواده و همزمان وی تسلیت می گوید.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ۲/بهمن ۷۷

متن سخنرانی رفیق مهدی سامع در مراسم گرامیداشت بیست و هشتمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

توضیح نبرد خلق- این سخنرانی به میزانی از گفتار به نوشتار تبدیل و اندکی کوتاه شده است

خانمها، آقایان، رفقای گرامی، سلام
از شما به خاطر این که دعوت سازمان ما را برای شرکت در این برنامه پذیرفته و در این برنامه شرکت کرده اید، تشکر می‌کنم. امیدوارم روزی گرامیداشت حماسه سیاهکل و انقلاب بهمن ۵۷ را در کشور خودمان، ایران برگزار کنیم. و در آنجا یاد زنان و مردانی را که در یک صد سال اخیر برای آزادی جنگیدند و به شهادت رسیدند را گرامی داریم.
صحبتهای امروز من در دو قسمت خواهد بود. در قسمت اول به طور مختصر به شرایط به وجود آمدن جنبش پیشتاز فدایی و رستاخیز سیاهکل میپردازم و در قسمت دوم صحبت کوتاهی در مورد شرایط کنونی خواهم داشت. بحثهای دیگر را می‌گذاریم برای بخش پرسش و پاسخ.

پیرامون شکل گیری حماسه سیاهکل باید ابتدا ببینیم این رویداد چه بوده است. در شامگاه روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، یک دسته از رزمندگان فدایی به پاسگاه ژاندارمری دهکده سیاهکل در حومه لاهیجان در استان گیلان حمله کرده و این پاسگاه را کاملاً خلع سلاح کردند و پس از آن به ارتفاعات قسمت جنوبی این دهکده عقب نشینی کردند. رژیم شاه برای سرکوب رزمندگان فدایی، بسیج گسترده ای صورت داد و طی درگیریهایی که پس از ۱۹ بهمن تا ۲ اسفند همان سال صورت گرفت، دو فدایی قهرمان، رفقا رحیم سمائی و مهدی اسحاقی به شهادت رسیدند و بقیه افراد دسته دستگیر شدند. مزدوران ساواک شاه با شکنجه و بازجویی شبانه روزی این رزمندگان، به سرعت پرونده آنان را به بیدادگاههای نظامی شاه تحویل داده و رفقای ما توسط بیدادگاههای نظامی شاه و طی یک محاکمه فرمایشی و چند ساعت به اعدام محکوم شده و روز ۲۶ اسفند همان سال ۱۳ رزمنده دلیر جنبش پیشتاز فدایی اعدام شدند. با رویداد سیاهکل، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران تولد یافت و تا انقلاب بهمن ۵۷ به حیات خود تحت شرایط دیکتاتوری شاه ادامه داد.

جرینل شکل گیری جنبش پیشتاز فدایی به شرایط سیاسی پس از کودتای امپریالیستی، ارتجاعی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ برمی‌گردد. دولت زنده یاد دکتر محمد مصدق بر اثر کودتای آمریکایی - انگلیسی در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سرنگون شد و محمدرضا شاه دوباره به وسیله سیا و انتلیجن سرویس به سلطنت گمارده شد. شاه پس از کودتا، به سرکوب نیروهای سیاسی و جریانات اجتماعی پرداخت. در آن شرایط حزب توده که بزرگترین حزب سیاسی بود به علت فقدان رهبری انقلابی، در مقابل این کودتا نتوانست یک سیاست انقلابی اتخاذ کند و راه تسلیم را در پیش گرفت و بنابراین جنبش مردم ایران منجر به شکست شد. شاه پس از تثبیت قدرت خود، در آغاز دهه چهل خورشیدی به دستور اربابان آمریکایی خود، اقدام به یک رفوم ارضی که خود آن را «انقلاب سفید» می‌نامید نمود. این رفوم از جمله طرحهایی بود که با انتخاب کندی به ریاست جمهوری آمریکا، برای کشورهای پیرامونی یا وابسته طراحی شده بود. رفوم ارضی شاه، که یک رفوم اقتصادی بود، همراه با رفوم سیاسی نبود، بلکه بر عکس با این رفوم اختناق و سرکوب در جامعه گسترش یافت و دیکتاتوری شاه با شدت بیشتری بر روی همه مخالفان اعمال می‌شد. در آن شرایط رژیم شاه، هم زمان با رفوم ارضی، به توسعه و گسترش ساختارهای

یک نظام دیکتاتوری فردی پرداخت. همه ی نیروهای سیاسی را سرکوب کرد، همه ی جریانات اجتماعی را سرکوب کرد. شاه با کمک سازمانهای اطلاعاتی امپریالیستی به ایجاد سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) پرداخت و آن را توسعه داد. در آن زمان این سؤال برای کسانی که می‌خواستند برای آزادی، برابری، استقلال و پیشرفت جامعه ایران مبارزه کنند مطرح شد که چه باید کرد؟ پاسخ به این سؤال ساده نبود. اول باید به این سؤال جواب داده می‌شد که اساساً باید مبارزه کرد یا نه؟ و بعد به چه شکل باید این مبارزه صورت گیرد. پاسخ سوال اول ساده تر بود. چرا که مردم ما از آستانه انقلاب مشروطه برای خواسته های معینی به پاخاسته بودند، بسیاری از برجسته ترین زنان و مردان کشور ما در این راه جانفشانی کرده بودند و به شهادت رسیده بودند. مردم ما از آستانه انقلاب مشروطه خواستار آزادی، استقلال، توسعه اقتصادی، اجتماعی، پیشرفت، رفاه و عدالت اجتماعی بوده اند و این خواسته ها ادامه یافته بود. در جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری آقای دکتر محمد مصدق، بخشی از این خواسته ها در حال تحقق بود. اما از یک طرف اتحاد دربار با روحانیت ارتجاعی که در رأس آن آیت الله کاشانی قرار داشت و از طرف دیگر امپریالیسم جهانی (آمریکا و انگلیس) که منافعشان با جنبش ملی شدن صنعت نفت در خطر جدی قرار داشت، علیه دکتر مصدق توطئه می‌کردند و سرانجام با کودتا حکومت وی را سرنگون کردند. بنابراین هر ایرانی آزادخواه که مدافع آرمانهای مردم بود، راه مبارزه را انتخاب می‌کرد. اما این مبارزه باید به چه شکل صورت می‌گرفت. در پاسخ به این سؤال، جوانهای متعددی داده می‌شد. راه لاهلای ساده تر که به طور سنتی نیز در پیش گرفته می‌شد، بسیار رایج بود. عده ای می‌گفتند باید صبر کرد تا شرایط آماده شود، عده ای می‌گفتند باید از هر امکانی که حکومت می‌دهد، استفاده کرد، عده ای به کار آرام سیاسی اعتقاد داشتند. اما در مقابل این راه حلها، رژیم شاه قرار داشت. دیکتاتوری شاه، مثل هر دیکتاتوری، فقط مخالفان جدی خود را سرکوب نمی‌کند. همه ی مخالفان را سرکوب می‌کند. همه ی آتیهایی که از مبارزه سیاسی آرام و قانونی و... دفاع می‌کردند نیز دستگیر، زندانی و شکنجه می‌شدند. در حقیقت اگر امکان مبارزه مسالمت آمیز وجود می‌داشت، در صورتی که امکان کار آرام سیاسی وجود می‌داشت، در صورتی که امکان تشکیل سازمانهای سیاسی و نهادهای اجتماعی وجود می‌داشت و می‌توانست تداوم یابد، مسلماً صحبت از مبارزه مسلحانه و اشکال پیچیده تر مبارزه مطرح نمی‌شد. اما رژیم شاه به همانگونه که رفیق امیر پرویز پویان در مقاله کوتاه اما پر محتوایش توضیح می‌دهد، امکان هیچگونه مبارزه سیاسی علیه خود را تحمل نمی‌کرد و امکان نمی‌داد که این مبارزه تداوم یابد. در آن شرایط مبارزان جدی، بر این نکته تاکید می‌کردند که شکل مبارزه باید آنچنان انتخاب شود که حیات یک سازمان سیاسی بتواند تداوم یابد و این سازمان به پیشتاز مبارزه تبدیل شود. طبیعی بود که انتخاب این شکل از مبارزه نیز همراه با ضربه های پلیس خواهد بود. همراه با دستگیریها و شهادتها خواهد بود. اما این ضربه ها، در صورتی که شکل مبارزه درست انتخاب شده باشد و درست بدان عمل شود، نمی‌تواند سازمان پیشتاز و انقلابی را نابود کند. بلکه برعکس آن را گسترش و نفوذ آن را در میان مردم افزایش می‌دهد. به هر حال در پاسخ به سؤال «چه شکل از مبارزه» دو گروه بندی مختلف

پس از رفوم ارضی شاه، پاسخ تقریباً واحدی دادند. گروهی مارکسیستهای انقلابی که بر محور آن جنبش پیشتاز فدایی قرار گرفت و مسلمانان انقلابی که مجاهدین خلق بر محور آنان قرار گرفتند. البته قبل از حماسه سیاهکل و شروع مبارزه مسلحانه گروههای مختلف از مارکسیستها و مسلمانان بودند که راه مبارزه سیاسی - نظامی را انتخاب کردند. اما با شروع مبارزه مسلحانه و تحولات پس از آن این مبارزه در دو جریان اصلی خود را نشان داد. خلاصه کنم. پس از رفوم ارضی شاه و پس از تثبیت دیکتاتوری شاه. سؤال چه باید کرد مطرح شد و به همان گونه که گفتم پاسخ نیروهای انقلابی این بود که راهی جز مبارزه مسلحانه و ایجاد سازمان رزمنده سیاسی - نظامی وجود ندارد. پاسخ درست به این سؤال ساده نبود. باید کسانی وجود می‌داشتند که شیفته آزادی مردم باشند، باید جان پر شور و قلبی پر طیش و پر هیجان وجود می‌داشت که به این سؤال پاسخ دهد و تازه اینها کافی نبود. باید اندیشه های سترگ، اندیشه های انقلابی و رادیکال وجود می‌داشت و این هر دو را تنی چند از رزمندگان دلیر جنبش پیشتاز فدایی دارا بودند که مبانی و تئوری مبارزه مسلحانه انقلابی را تدوین کردند. رفقای همچون بیژن جزینی، مسعود احمد زاده، امیر پرویز پویان و حسن ضیا، ظریفی از جمله ارزنده ترین رزمندگان دلیر جنبش پیشتاز فدایی بودند که با مبارزه خود و با اندیشه های انقلابی خود، جنبش فدایی را پایه گذاری کردند. جوهر و فشرده نظر آنان این بود که اگر حکومتی تمام راههای مبارزه مسالمت آمیز را بر روی مردم و نیروهای پیشتاز مخالف می‌بندد، اگر به سرکوب گسترده مبارزه ترقیخواهانه مردم می‌پردازد، دیگر راهی جز مبارزه مسلحانه برای تحقق خواسته های مردم وجود ندارد. و این راهی بود که با سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ آغاز شد و جنبش پیشتاز فدایی به بزرگترین سازمان سیاسی کشور در آستانه انقلاب بهمن ۵۷ تبدیل کرد. مشعلی که، شعله ای که، جرعه ای که در سیاهکل برافروخته شد. با مبارزه بسیاری از زنان و مردان فدایی تا انقلاب بهمن ۵۷ ادامه یافت و بسیاری از رفقای ما در این راه یا به وسیله رژیم شاه اعدام شدند و یا در نبردهای خیابانی به شهادت رسیدند.

مرده بودم زنده شدم، گریه بودم خنده شدم

دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم

اما آن راه درست، پس از انقلاب بهمن ۵۷ که منجر به سرنگونی رژیم شاه شد، به شرطی می‌توانست ادامه درست داشته باشد که سازمان ما خود را با تحولات در راه رشد و تکامل، تطابق می‌داد. دکتر تقی ارانی، فیلسوف، دانشمند و کمونیست برجسته که در ۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸ به وسیله مزدوران رضا شاه در زندان قصر تهران به شهادت رسید. می‌گوید: جریانی تاریخ شط نیرومندی است که به دریای تکامل می‌ریزد. و ادامه می‌دهد که: بگذار ما از آن قطراتی باشیم که به این اقیانوس بیکران می‌پیوندند و نه از آن ذراتی که در مردابهای ساکن می‌پوسند.

متأسفانه اکثریت کسانی که در کمیته مرکزی سازمان ما قرار گرفته بودند، نتوانستند سازمان را با تحولات در حال تکامل منطبق کنند. به جای یک سیاست قاطع در مقابل ارتجاع حاکم و برای آزادی، یک سیاست تسلیم طلبانه: البته با انبوهی توجیه تئوریک در پیش گرفته شد که منجر به انشعابهای مختلف در سازمان ما شد و ارتزبیهای بسیار به هنر رفت و ما در این تلاطمات در تیرماه سال ۱۳۶۲ حیات

بقیه در صفحه ۵

نتن سخنرانی رفیق مهدی سامع در مراسم گرامیداشت بیست و هشتمین سالگرد رستاخیز سپاهکل

بقیه از صفحه ۴

جدید سازمان را آغاز کردیم. فشرده دیدگاههای ما که در آن زمان در برنامه (هویت) سازمان انعکاس پیدا کرد و در شرایط کنونی اصول اساسی آن در منشور سازمان درج شده در سه اصل اساسی زیر خلاصه می شود:

اول آن که از نظر ما جامعه بشری برای رسیدن به سعادت، راهی جز این ندارد که در جهت نفی نظام سرمایه داری و ایجاد یک دولت سوسیالیستی به مثابه یک دولت در حال گذار به جامعه کمونیستی حرکت کند. مهمترین شاخص سیاسی این دوران گذار از نظر ما نابودی تدریجی دستگاه دولتی و استقرار یک نظام خودگردان مردمی است. دومین نکته این که ما در جهت برانداختن نظام استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و سرنگونی این نظام و استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی حرکت می کنیم. و سوم این که ما معتقدیم که باید از شورای ملی مقاومت ایران حمایت و پشتیبانی کرد و آن را تقویت نمود. ما با این سه اصل اساسی حرکت جدید خودمان را آغاز کردیم و اکنون به این نقطه رسیده ایم.

به بخش دوم صحبت‌هایم که ارزیابی مختصری از شرایط کنونی است می پردازم. اگر بخواهیم حرفهای رفسنجانی که دیروز در نماز جمعه گفته را مبنا قرار دهیم، باید قبول کنیم که ایران کشوری آزاد، آباد و پیشرفته است. البته گفتن چنین دروغهایی تنها از عهده یک شارلاتان سیاسی مثل رفسنجانی برمی آید. اما واقعیت چیست؟ اگر جامعه را یک هرم فرض کنیم. در قسمت بالای این هرم دستگاه حکومتی قرار دارد. نظام کنونی، خود را ولایت مطلقه فقیه می نامد. یعنی حکومت مطلق العنان یک فقیه. این فقیه در شرایط کنونی علی خامنه ای است. این نظام ضمناً از آنجا که بر موج یک انقلاب سوار شده و به وسیله یک انقلاب به قدرت رسیده، نوعی از جمهوری را پذیرفته است که زیر کنترل ولی فقیه از طریق شورای نگهبان به نوعی انتخاب می شود. رئیس جمهور این نظام در شرایط کنونی، خاتمی است. از آنجا که جمهوری بدانگونه که در ساختارهای کشورهای اروپایی شکل گرفت و به صورت یک نظام عمومی درآمد. از اساس با ولایت مطلقه فقیه در تضاد است. خمینی از ابتدای شکل گیری جمهوری اسلامی، نهادهایی برای حل اختلاف بین جناحها، افراد و نهادهای این رژیم به وجود آورد که مهمترین آن مجمع تشخیص مصلحت نظام است که هاشمی رفسنجانی در رأس آن قرار دارد. پس جوهر و ماهیت این نظام، استبدادی، مذهبی و براساس قدرت مطلق یک فقیه است. مواد گوناگون قانون اساسی این رژیم به ولی فقیه اجازه می دهد که اعمال قدرت کند. در کنار این مهمترین و اساسی ترین نهاد این نظام، قوه اجرایی و قوه مقننه قرار دارد که اینجا و آنجا، به ویژه در شرایط کنونی در چالش با ولایت خامنه ای قرار دارد. خمینی اولین ولی فقیه این نظام بود. در واقع می توان گفت که نظام ولایت مطلقه فقیه لباسی بود که برای خمینی دوخته شد. به همین دلیل در شرایط کنونی خامنه ای گرچه بسیار مایل است ولی نمی تواند آنگونه که خمینی اعمال رهبری می نمود. بر جناحهای مختلف رژیم تسلط داشته باشد. قیای ولایت فقیه برای خامنه ای بسیار گشاد است. مثل دختر بچه هایی که کتفهای مادانهایشان را می پوشند و یا مثل پسر بچه هایی که کت باباهاشون می پوشند.

اکنون هم از جانب مبارزه مردم و مقاومت سازمان یافته آنان به رأس هرم، یعنی نهاد ولایت فقیه فشار وارد می شود و هم از درون خود حکومت. در درون حکومت جریانی شکل گرفته که راه حل نجات رژیم از بحران و بن بست را وابستگی به غرب به طور کلی و آمریکا به طور مشخص می داند. این گروه معتقدند که اگر رژیم می خواهد کماکان بر گرده مردم سوار باشد و آنان را غارت و چپاول کند، اولاً ولی فقیه باید به میزانی عقب نشینی کند و ثانیاً باید وابسته به غرب شد. خاتمی به نیابت از این جریان، عقب نشینی ولی فقیه را قانون گرایی و وابستگی به غرب را «جامعه مدنی» تعریف می کند. حرف خاتمی با خامنه ای در این جمله خلاصه می شود که در شرایط کنونی برای آن که همه چیز را از دست ندهیم باید چیزهایی از دست بدهیم. یعنی از کردار گذشته در رابطه با آمریکا، ندامت کنیم. این یک جدال جدی در درون حکومت است. این یک بازی نیست که به ابتکار حکومت برای سرگرم کردن مردم راه انداخته شده باشد. این جدال از تضادهای واقعی ناشی می شود و هر روز رژیم را بیش از روز قبل به ناچار در بحران و بن بست فرو می برد و نظام ولایت فقیه راهی برای گریز از آن ندارد.

در چنین اوضاعی باز هم این سؤال مطرح می شود که چه باید کرد؟ رژیم نیز این سؤال را در مقابل خود قرار داده است. آیا برای نظام ولایت فقیه امکان دارد که یک بحران بزرگ بیرونی به آنگونه که خمینی با ادامه جنگ ایران و عراق و یاصدور حکم قتل سلمان رشدی بدان متوسل شد، ایجاد کند؟ مثلاً آیا خامنه ای می تواند با ایجاد یک بحران بزرگ، خاتمی را حذف کند. مثل کاری که خمینی پس از صدور فتوای قتل سلمان رشدی با آقای منتظری کرد. به نظر من بسیار بعید است که چنین کاری از عهده خامنه ای برآید و یا شرایط داخلی و بین المللی اجازه چنین کاری به خامنه ای بدهد. دیگر این که آیا سازش اساسی بین جناحهای داخلی رژیم میسر است؟ به نظر من جناحهای مختلف رژیم بر سر سرکوب مردم و مقاومت سازمان یافته آنان، وحدت نظر دارند. اما اختلافهای اساسی بر سر چگونگی اعمال حکومت دارند که به آن اشاره کردم و این امکان سازش را از آنان سلب می کند. بین کسانی که می خوانند حکومت «عدل اسلامی» ایجاد کنند و کسانی که می خواهند ولی فقیه را ملزم به قانونی عمل کردن کنند، نمی تواند سازش به وجود آید و این در حالی است که هیچکدام از جناحها نمی توانند دیگری را حذف کند و بنابراین بحرانها، بن بستها و چالشها ادامه پیدا می کند و هر روز بر عمق و وسعت آن افزوده می شود و مهمترین نتیجه این وضعیت برآمد، رشد و گسترش جریان سوم در جامعه است. جریانی از درون جامعه و مستقل از جناحهای حکومت.

این جریان سوم دارای خواسته های اساسی است و مهمترین خواسته آن هم برپیده شدن بساط نظام مطلقه ولایت فقیه و استقرار آزادی و دموکراسی و عدالت است. در این شرایط در نیروهای سیاسی هم دو نظر هست. یک نظر معتقد است که هیچکدام از جناحهای حکومت نمی توانند به خواسته های جریان سوم، به خواسته های مردم ایران پاسخ دهند و بنابراین یک جریان سیاسی جدی باید خود را با نیازهای ریشه ای مردم تطبیق دهد. یعنی در جهت سرنگونی نظام ولایت فقیه و تمام دسته بندیها و باندهای درونی آن حرکت کند. و جریان دوم معتقد است که باید گام به گام و با استفاده از شرایط موجود و امکاناتی که به اعتبار خاتمی موضوعیت پیدا می کند، در جهت گرفتن بعضی امتیازها از حکومت حرکت کرد.

در اینجا نیز دو خط مشی و دو سیاست در مقابل هم قرار می گیرند و این دو سیاست هر یک الزامهای خاص خود را دارد. کسانی که به یک سیاست رادیکال اعتقاد دارند، البته بارها اعلام کرده اند که اگر خاتمی و یا کل حکومت در جهت رفم حرکت می کنند، باید تن به یک انتخابات آزاد (البته نه در چارچوب ولایت فقیه) بدهند. اما این گروه از آنجا که نمی خواهد واقعیتها را از مردم پنهان کند، همواره تاکید کرده که رسیدن به سعادت و آزادی تنها از طریق سرنگونی این رژیم میسر است. در واقع در این دوران بحرانی، در دورانی که زمین لرزه های بزرگ جامعه ما را فرا گرفته، با گامهای لرزان نمی توان به پیش رفت. راه رفتن با گامهای لرزان یعنی زمین خوردن. در اینجا برای پیمودن راه آزادی و سعادت مردم، گامهای استواری لازم است. به نظر من آن گروههای سیاسی که سیاست سازش، سیاست حمایت از خاتمی را در پیش گرفته اند، به عالی ترین منافع مردم ایران خیانت می کنند. طبعاً در اینجا مورد نظر من گروهبندها و جریانهای سیاسی است. در این شرایط و با تحلیلی که من ارائه دادم، آن نیروهای سیاسی رادیکال که در جهت پیوند جنبش انقلابی مسلحانه و جنبش اجتماعی مردم حرکت می کنند، قادر خواهند بود که بمتابه پیشتاز جنبش انقلابی مردم ایران به عمر نظام ارتجاعی ولایت فقیه پایان دهند.

حالا که ۲۸ سال از حماسه سپاهکل و ۲۰ سال از انقلاب بهمن ۵۷ می گذرد. ما به این امید و با این آرزو در این یا آن گوشه جهان، در این یا آن گوشه بیمنمان ایران، شاهد گسترش مبارزه برای آزادی هستیم.

در پایان حرفهایم باز می گویم که به آن روزهایی که رفقای ما در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، رستاخیز سپاهکل را آفریدند. آن روزها شرایط بسیار سخت و چشم اندازها مثل امروز روشن نبود. در آن شرایط سخت و دشوار که ساواک شاه نفسیها را نیز در سینه حبس کرده بود، سپاهکل آفریده شد.

برف می بارید

برف می بارید به روی خار و خاراستگ

کوهها خاموش

دره ها دلتنگ. راهها چشم انتظار کاروانی. با

صدای زنگ

برنمی شد گر ز بام کلبه ها دودی

یا که سوسوی چراغی گر پیامبران نمی آورد

رد پاها گر نمی افتاد روی جاده ها لرزان

ما چه می کردیم در این طوفان دل آشفته دم سرد

جرعه ای که در سپاهکل برافروخته شد. به شعله

تبدیل شد و روز به روز این شعله گسترش پیدا کرد. در

این راه زنان و مردان بسیار به عشق آزادی جان باختند

و آن آتش را زنده نگهداشتند. انقلاب بهمن ۵۷.

دیکتاتوری شاه را سرنگون کرد. اما مردم ایران با روی

کارآمدن نظام ولایت فقیه به اهداف و آرمانهای خود

نرسیدند و به مبارزه در ابعادی وسیع تر و عمیق تر

ادامه دادند. خمینی و ادامه دهندگان راه او می خواستند

جنبش دموکراتیک و ترقیخواهانه مردم ایران را سرکوب

و نابود کنند. در مقابل این تعرض ارتجاعی به پا

خاستند و این مبارزه تا رسیدن به آزادی، صلح،

دموکراسی، ترقی، استقلال و پیشرفت ادامه خواهد

یافت.

اجازه دهید سخنانم را با شعری از عارف شوریده و

مبارزه بزرگ ضد ارتجاع، حافظ به پایان برسانم.

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم

گزارش از آلمان -

نمایش تأثیر و فیلم در بایروت



انجمن فرهنگی نبرد - آلمان، روز چهارشنبه ۲۷ ژانویه ۹۹ در شهر بایروت آلمان اقدام به برگزاری مراسمی برای افشای رژیم جمهوری اسلامی و جنایات آن نمود. در این مراسم که به مدت ۲ ساعت طول کشید ابتدا ۲ قطعه شعر به زبانهای آلمانی و فارسی اجرا شد. سپس یک قطعه تأثیرناشایی به نام «کنفرانس اسلامی» با هنرمندی محمد حسن ساکت، شاپور قره ملک لو و فرهاد فرهانی اجرا شد. پس از آن تراکت، فیلم سنگسار و رد پای ترور به نمایش گذاشته شد. این قسمت از برنامه برای آلمانیها جالب و تکان دهنده بود. پس از اتمام مراسم رفقا به بحث و گفتگو و توضیحات بیشتر در مورد وضعیت فعلی ایران برای خبرنگاران حاضر به زبان آلمانی نمودند و این مسأله باعث شد که فردای آنروز روزنامه های محلی در مورد مسائل داخل ایران مطالبی را در چند ستون به چاپ برسانند.

فرهاد فرهانی

شکسپیر عاشق، نامزد ۱۳ جایزه اسکار

فیلم شکسپیر عاشق خود را نامزد گرفتن ۱۳ جایزه در فستیوال اسکار که به زودی کار خود را آغاز می کند، نموده است. رقیب شکسپیر عاشق، فیلم «نجات سرچوخته رایان» است که نامزد ۱۱ جایزه اسکار شده و جنجالی ترین فیلم در مورد جنگ جهانی دوم است. از جمله فیلمهای دیگر که نامزد هفت جایزه اسکار هستند فیلمهای «بیوگرافی الیزابت»، «خط قرمز باریک» که در مورد جنگ جهانی دوم و فیلم ستایش برانگیز «زندگی زیباست» می باشد.

نمایشگاه آثار نقاشی دو نقاش ایرانی

شهره جندقیان و احمد محمودی نژاد نمایشگاهی با عنوان خاطرات به مدت ۲ هفته در گالری Menilmouche واقع در محله بیستم پاریس از دوشنبه ۸ مارس تا یکشنبه ۲۱ مارس برگزار خواهند کرد. درهای نمایشگاه همه روزه به جز روزهای چهارشنبه به روی بازدیدکنندگان باز خواهد بود.

آدرس

Le Melinmouche
46 Rue de Melinmontant
75020 paris
Tel.Fax: 0146361424

محمد مامله، هنرمند برجسته کرد درگذشت

روز ۳ بهمن امسال، محمد مامله، در شهر مهاباد درگذشت. وی ۵۵ ساله و ترانه های بسیار در طول حیات خود اجرا نموده بود. آثار وی یک منبع بزرگ هنری در زمینه موسیقی کردی است. زنده یاد محمد مامله در دوران رژیم شاه چندین بار به زندان افتاد و در زمان رژیم آخوندی نیز به طور مداوم تحت آزار و اذیت قرار داشت. محمد مامله خدمات بسیاری به موسیقی کردی نموده است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت این هنرمند برجسته را به خانواده و دوستان او تسلیت می گوید.

موسیقی «پاپ» در رژیم آخوندی

وقتی آخوند خاتمی برای حل مشکلات رژیم درصدد است تا به دامن آمریکا متوسل شود. وزارت ارشاد او نیز در دهه فجر (که مردم آن را سالهاست دهه زجر می گویند) فعالیتهای زیادی برای نشان دادن چهره دیگر از رژیم آخوندی نموده است. یکی از این اقدامات تشکیل جشنواره موزیک پاپ بود که از روز ۱۸ بهمن برگزار شد. در شب اول این جشنواره، خشایار اعتمادی چند ترانه اجرا نمود. در گروه کر، چهار زن او را همراهی می کردند. اساس این جشنواره آن گونه که خبرگزاری رژیم از قول برگزارکنندگان آن اعلام کرده: «تبیین راههای استمرار هنر موسیقی مردمی و دور نگاه داشتن آن از ابتذال و کجروی و اجرای آن براساس موازین و معیارهای انقلاب اسلامی» است. نکته جالب این است که وقتی رژیم تحت فشار و برای نزدیکی با غرب تن به عقب نشینیهایی می دهد، درصدد برمی آید تا آنچه را با فشار قبول کرده، به «ابتذال» بکشاند و بعد مدعی مبارزه با ابتذال شود. در جشنواره موزیک پاپ، محمد عیوضی، چنگیز حبیبیان، بابک امینی، کاوه یغمایی، ایرج کنعانی، سانی رهنما و محمدرضا صادقی برنامه اجرا کردند.

راه

- ب . پرستو

سلام ای راه

گفت آسوده

مرو از خاک

پوشیده سرو پوشاک

سلام ای راه پیاپیچ ناهموار

سلام ای بار سنگین

ای پیام یار

خداحافظ تو را

دیوار

کنون من این ره مردانه خواهم رفت

سرود آتشین خلق را آواز خواهم داد

خروش رعد را با خویش هم پیمانه خواهم کرد

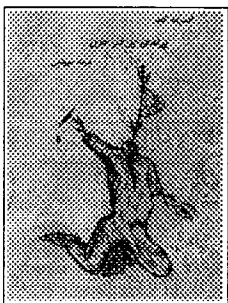
سپس کاخ ستمکاران عالم را همه ویرانه خواهم کرد.

سوء استفاده رژیم از سینما

وزارت ارشاد خاتمی در دهه فجر در یک سلسله کشورها هفته فیلم برگزار کرده و در ایران نیز هفدهمین جشنواره بین المللی فیلم فجر را برگزار نمود. هدف رژیم سوء استفاده از سینما در جهت اهداف ارتجاعی خود بهره برداری از کار هنرمندان. در فشار قرار دادن هنرمندانی که حاضر نیستند رژیم از آنان سوء استفاده کند و ... می باشد. چند مورد از اقدامات رژیم به قرار زیر است:

روز ۱۸ بهمن با نمایش فیلم «کشتی آنجلیکا» به کارگردانی محمد رضا بزرگ نیا، هفته فیلم ایرانی در کویت آغاز شد. فیلمهای اجاره نشینها، ناخدا خورشید، گریز از شهر و سردار جنگل در هفته فیلم در کویت به نمایش درآمد. این برنامه زیر نظر مستقیم علی جنتی سفیر جمهوری اسلامی در کویت قرار داشت. روز ۲۹ بهمن در شهر زاگروب (پایتخت کرواسی) نیز هفته فیلم ایران آغاز شد و به مدت یک هفته فیلمهای روسی آبی، هامون، اژانس شبیه ای، مادر و بای سیکل ران به نمایش درآمد. در هفدهمین جشنواره بین المللی فیلم فجر که روز ۲۱ بهمن به کار خود خاتمه داد. مهاجرانی وزیر ارشاد و سخنگوی دولت نظارت مستقیم داشت و در برنامه شب پایانی آن شرکت داشت. در این جشنواره فیلم «هیوا» ساخته رسول ملاقلی پور برنده سیمیر بلورین بهترین فیلم شد. هدیه تهرانی بهترین بازیگر زن و محمدرضا فروتن به عنوان بهترین بازیگر مرد انتخاب شدند. فیلمنامه «دو زن» نوشته تهیینه میلانی به عنوان بهترین فیلمنامه انتخاب شد. در جشنواره فیلم فجر حسین علیزاده برنده بهترین موسیقی برای فیلم «زشت و زیبا» شد. به گزارش خبرگزاری رژیم در بخش مسابقه سینمای بین المللی این جشنواره فیلم «رنگ خدا» ساخته مجید مجیدی به عنوان بهترین فیلم و «ابراهیم خاتمی کیا» به عنوان بهترین کارگردان جایزه فستیوال را دریافت کردند و جایزه بهترین فیلمنامه خارجی به فیلم دره رود سرخ» محصول کشور چین داده شد. در این بخش آریتا حاجیان برای بازی در فیلم «روبان قرمز» به عنوان بهترین بازیگر شناخته شد و جایزه ویژه هیأت داوران به فیلم «دایره کامل» از فرانسه و یوسنی تعلق گرفت. در جشنواره فیلم فجر، هیچکدام از فیلمهای مطرح که در فستیوالهای بین المللی موفقیتهایی به دست آورده اند، شرکت نداشتند و بسیاری از هنرمندان و دست اندرکاران سینما، در این فستیوال، حتی به عنوان ناظر و بیننده فیلم، شرکت نکردند.

منتشر شد



پرندی پر در خون - اشعار فرهاد فرهانی. طرح روی جلد، میترا امانی از انتشارات انجمن فرهنگی نبرد - آلمان فدرال
برای دریافت این مجموعه شعر با آدرس زیر مکاتبه کنید:

Post fach 1231
91503 Ansbach, Deutschland
Tel.Fax: 0981-4609771

یادداشت و گزارش

- ا. ش. مفسر

خرازی از ترس فرار کرد

طراحان سیاست خارجی و عقلای رژیم بعد از دو روز تأمل و تفکر و احتمالا بحث در جلسه هیأت دولت یا بین رئیس جمهور رژیم و وزیر خارجه، به این نتیجه رسیدند که باید پاسخی به انتقاداتی که از لغو سخنرانی از پیش برنامه ریزی شده خرازی در مؤسسه روابط بین المللی فرانسه در روز ۳ فوریه شده، بدهند و بهترین راه را آن یافتند که در واکنشی غیر مستقیم، از طریق خبرگزاری رژیم علت لغو سخنرانی خرازی را که همانا تظاهرات هواداران مقاومت در نزدیکی محل برگزاری و ترس او از آمدن به آنجا بود، بیان کنند و در ضمن با ذکر این که پلیس اقدامات لازم را برای امنیت او به عمل نیاورده بود ناراضایی خود را از این که چرا پلیس به تظاهرات حمله و آن را پراکنده نکرده بیان کنند. تکرار اتهامات یارود و برجسب تروریستی زدن به مقاومت، تاکنون گره چندانی از کار رژیم برای محدود یا ممنوع کردن هواداران مقاومت در خارج کشور نگشوده است. چون برای پلیس فرانسه و سایر کشورها که هواداران مقاومت و مجاهدین در آن جا فعالند، روشن است که در طول ۱۷ سال گذشته در هیچ یک از این کشورها، اقدامی از سوی هواداران مقاومت که پاسخی به جنایات رژیم در داخل یا جنایاتی مثل ترور دکتر کاظم رجوی و محمدحسین نقدی یا زهرا رجیبی باشند، صورت نگرفته و هواداران مقاومت و مجاهدین تنها در چارچوب قوانین این کشورها، با تظاهرات و روشهای غیر خشونت آمیز، خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم به خاطر جنایتهایش علیه مردم ایران نشان داده اند. حالا اگر این کارها باعث وحشت و ترور مقامات رژیم است. دیگر این تقصیر هواداران مقاومت نیست. این به ترس آنان از سرانجام کار که در روبه رو شدن با هواداران مقاومت، در برابرشان ترسیم می شود برمی گردد. این کمال خرازی، در طول جنگ در مقام مدیر عامل خبرگزاری رژیم، مسئول ستاد تبلیغات جنگ رژیم هم بود. او برای انعکاس در رسانه های بین المللی، برای مشروع نشان دادن آن جنگ ضد میهنی که جنگ خینی برای فتح قدس از راه کربلا بود. و برحق بودن خینی در ادامه آن. دلیل و برهان میتراشید. جنگی که در آن طی ۸ سال جگرگوشه های مردم از مدرسه های راهنمایی تحصیلی و دبیرستانها در فوجهای دهها هزار نفری به جبهه ها اعزام و به تنور جنگ ریخته شده. نابود یا معلول می شدند. اینها در تبلیغات جنگ فوز عظیم شهادت، و ایثارگری و شهادت طلبی نامیده می شد. عجب اینها که آن همه از فرهنگ شهادت و شهادت طلبی، دم می زدند. وقتی کمی سوی شلوغی و نامناسب بودن اوضاع به مشامشان می رسد، چهارپا که هستند چند تا پای دیگر هم قرض می کنند و مثل یک سوک فرار می کنند. به این وزیر خارجه و مسئول سابق ستاد تبلیغات جنگ باید گفت حالا فرض کنیم که در آن جلسه (که گویا دویست سیصد نفر از اهل سیاست و صنعت و تجارت در آن جمع شده بودند، تا با دیدگاههای دولت خاتمی و امکانات جمهوری اسلامی آشنا شوند). اصلا قرار بود تو را بکشند، می آمدی و کشته می شدی تا کار نظام پیش برود. عموسام برای سید مظلوم تسلیت می فرستاد و تروریستها را محکوم می کرد. اما بزرگ مادلین هم برای مراسم دفنت تاج گل می فرستاد و شاید اشک هم می ریخت. سید

مظلوم» در داخل در برابر رقیبان و هم در محافل بین المللی می توانست از همه طلبکار شود. خودت هم که به «فیض شهادت» نائل می شدی. جز «اصوات نبودی جز» «بل احیا و عندر بهم یرزقون» بودی. حتما کنار آن حوض با فواره خون و در جوار «بیش از هفتاد و دو تن» چالت می کردند. افتخار بالاتر از این! جا دارد که آمدجواد لاریجانی که حقتش توسط «خرادایان» و این کمال بزدل خورده شده، در فرمایشاتی یا نوشته یی یک خاک بر سر این وزیر ترسو، نثار او کند. به هر حال اینجا در خارج کشور، جز مشت گره کرده و شعار سرنگونی و نابودی رژیم و احتمالا تخم مرغ گندیده از سوی ایرانیان خشمگین و اگر فاصله مناسب بود یک تف گنده. چیز دیگری نصیب مقامات رژیم نخواهد شد. حال اگر خرازی و دیگران تصمیم گرفتند که دیگر پایشان را از ایران بیرون نگذارند، باید به خاطر بسپارند که ایران همانجایی است که سردمداران رژیم خینی ساخته جمهوری اسلامی، به کیفر جنایات خود خواهند رسید.

ضربه نظامی مجاهدین

یکشنبه ۱۱ بهمن (۳۱ ژانویه) وزارت اطلاعات رژیم با خمپاره مورد حمله رزمندگان قهرمان مجاهد قرار گرفت این حمله در حالی صورت گرفت که هنوز رژیم از گنجی ضربه های قبلی مجاهدین به ستاد مرکزی سپاه پاسداران و یک مرکز تسلیحاتی و دادستانی انقلاب، درنیامده و موفق به یافتن رزمندگان هم نشده است. علاوه بر عملیات یاد شده آخوند رازی جنایتکار هم در عملیاتی که از آن جان بدر برد. هنوز در بیمارستان است و رژیم در این مورد اعلام کرده است که موفق به چهره نگاری از عامل این اقدام شده است. عملیات نظامی مجاهدین در داخل آن گونه که در مطبوعات رژیم منعکس است. ساعت تشدید تضادهای رژیم شده و روزنامه های جناح ول فقیه مثل کیهان و جمهوری اسلامی جناح خاتمی را متهم به همسویی با مجاهدین می کنند، از جمله روزنامه کیهان ۱۳ بهمن در «یادداشت روز» تلاش کرد اینطور وانمود کند که هر نهاد یا دستگاهی که مورد انتقاد جناح خاتمی قرار گرفته، مجاهدین در پی آن به این نهادها حمله کرده اند. از سوی دیگر جناح خاتمی هم به نوبه خود، با یادآوری اعتراضات هواداران مقاومت علیه مقامات دولت خاتمی در سفرهای خارج کشور آنان، جناح خاتمی ای را متهم به همسویی با مجاهدین و مقاومت می کند و این در حالیست که همچنان که در یک بیانیه ملی که توسط گروه کثیری از ایرانیان آزادیخواه و هواداران مقاومت تاکید شده. مقاومت و مجاهدین این رژیم را با تمام دسته بندیهای آن نامشروع و ضد مردمی می دانند. اما بحران سیاسی و تضادهای دو جناح در حدی است که عملیات نظامی مجاهدین در داخل، به شدت یافتن آن باز هم خواهد افزود. حالا اگر کسانی اسم این عملیات نظامی را تروریسم می گذارند چه بسا که ارتش جمهوریخواه ایرلند و سازمان آزادیبخش فلسطین نیز سالبها از طرف دشمنان و دولت‌های حامی دشمنان. تروریست خطاب می شدند. اما بالاخره از آنجا که بحران موجود با نادیده گرفتن آنان حل شدنی نبود. در سطح بین المللی به‌عنوان تنها الترناتیو برای حل بحران پذیرفته شدند. تازه در کارنامه مبارزه مسلحانه مجاهدین و ارتش آزادیبخش اقداماتی مثل بمب گذاریهای خیابانی ارتش جمهوریخواه وجود ندارد.

چرا روشنفکران را می کشند

چرا روشنفکران را می کشند
رادیو اسرائیل روز دوشنبه اول فوریه (۱۲ بهمن) گفتگویی داشت با فرج سرکوهی در مورد قتل‌های اخیر.

وی در این گفتگو مطالبی در مورد عملکرد وزارت اطلاعات رژیم بیان کرد که نشان دهنده آن است که قتل روشنفکران، گذشته از کینه دیرینه آخوندها نسبت به اهل اندیشه و قلم، آنها براساس یک تحلیل به این نتیجه رسیده اند که روشنفکران معترض در بلند مدت سبب فروپاشی رژیم می شوند و از این جهت نباید به آنها مجال اظهار وجود داد (نقل به مضمون). سرکوهی گفت وقتی در بازداشت وزارت اطلاعات بود (آبان و آذر ۷۵) معاون فلاحیان وزیر اطلاعات وقت در یک بازجویی با چشم بسته (سرکوهی او را از صدایش شناخته بود) به وی گفته بود که ما با مطالعه فروپاشی شوری و بلوک شرق به این نتیجه رسیده ایم که نباید به روشنفکران معترض مجال داد (نقل به مضمون) سرکوهی توضیح داد که از نظر وزارت اطلاعات رژیم کسانی چون سولزینتسین و ساخاروف در شوری سابق و لاس لاهاول در چکسلواکی سبب فروپاشی آن نظام شده اند و به خاطر همین وزارت اطلاعات برای همه روشنفکران پرونده تشکیل داده و کارشناسی که با اظهار تأسف گفت آدمهای با سوادی هم هستند این پرونده ها را تشکیل می دهند و مطالعه می کنند و بنابراین میزان مخالفت فرد با رژیم و تأثیر گفته ها و نوشته های او در افکار عمومی و این که تا چه حد امکان دارد چهره بشود، در مورد از میان برداشتن او نظر می دهند و این پرونده را در اختیار حاکم شرع مستقر در وزارت اطلاعات قرار می دهند. این حاکم شرع که مستقلا تصمیم میگیرد. اگر نظرش بر قتل طرف باشد در پرونده می نویسد: «مجرمی وزارت اطلاعات، کارشناسی شده. آن وقت مأموران وزارت اطلاعات سناریو و برنامه قتل او را طرح ریزی می کنند. میرعلایی و سایر نویسندگانی که بعد از انتشار نامه ۱۳۴ نویسنده کشته شدند به همین شیوه کارشناسی شده بودند. سرکوهی یادآوری کرد که طرح سر به نیست کردن یکجای گروهی از نویسندگان ایران در برنامه سفر به ایمنستان به علت گیرکردن اتوبوس به سنگ که مانع سقوط آن به دره شد ناکام ماند. وی گفت که در مدت بازداشتش مسئول حفاظت اطلاعات دفتر خامنه ای هم از او بازجویی کرده بود و سیاست از میان برداشتن روشنفکران مسأله بی نبود که وزارت اطلاعات به تنهایی تصمیم به آن گرفته باشد بلکه همچنانکه موضعگیریهای سران رژیم در مورد «نابدید شدن» او در فرودگاه نشان داد. در سطح رهبری و رئیس جمهور (رفسنجانی) تصمیم گیری شده بود. سرکوهی گفت که در زمان بازداشت او حدود ۲۰۰ تن از مدیران شرکتهای تجارتهی نیز در بازداشت بودند و این بازداشت برای باجگیری وزارت اطلاعات از آنان بود. آنان باید مبلغی را که وزارت اطلاعات می خواست می پرداختند و الا با اتهامات گوناگون از جمله جاسوسی رو به رو بودند. به گفته وی علاوه بر این شرکتهایی که در امر صادرات و واردات کار می کنند، موظفند درصد معینی از درآمد خود را به وزارت اطلاعات بپردازند. نگرانی از نقش روشنفکران را چند ماه قبیل از دستگیری سرکوهی و کمی قبل از توطئه سرنگون کردن اتوبوس حامل نویسندگان به دره، رئیس بنیاد سینمایی فارابی، محمد رجیبی در یک سخنرانی برای طلاب مشهد تحت عنوان «جریان روشنفکری و لیبرالیسم» در مرداد ۷۵ به روشنی بیان کرده بود: «روشنفکر یعنی کسی که با فکر خودش بدون هیچ محدودیتی در باره همه چیز نظر می دهد و نظرش هم انتقادی است و این امر با جوهر تفکر دینی ما که برای عقل انسان محدودیت قائل است تناسبی ندارد. براساس این معنا روشنفکر کسی است که کمک گرفتن از وحی بقیه در صحنه ۸

خیمپاره باران مرکز وزارت اطلاعات

بنا به گزارش ستاد فرماندهی مجاهدین خلق در داخل کشور، حوالی ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر امروز به وقت تهران، مرکز اصلی وزارت اطلاعات رژیم ضد بشری ملایان واقع در خیابان پاسداران تهران توسط واحدهای نظامی مجاهدین در پاسخ به سلسله قتلها و ترورهای سیاسی داخل و خارج کشور خیمپاره باران گردیدند. در این تهاجم بزرگ و برق آسا، خسارات فراوانی به ساختمان وزارت سرکوب و شکنجه رژیم آخوندی وارد آمد و دوابر مختلف آن توسط واحدهای نظامی زهرا رجبی و علی مرادی مورد اصابت قرار گرفت. صدای انفجارهای پیاپی در سراسر مناطق شمالی و شرقی تهران شنیده شد. به دنبال این عملیات بزرگ در حالی که انبوه آمبولانسها و ماشینیهای آتشفشانی در تردد بودند به سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی در سراسر تهران آماده باش صد در صد داده شد. منطقه عملیاتی به محاصره درآمد و گشتیهای سرکوبگر به بازرسی اتوموبیلها و عابران پرداختند. ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور اعلام کرد اطلاعات تکمیلی را متعاقباً منتشر خواهد نمود.

خیمپاره باران مرکز وزارت اطلاعات رژیم آخوندی درست در شب جشنهای موسوم به دهه فجر رژیم که مصادف با ورود خمینی به تهران است صورت گرفته و تمامی آرایش سیاسی ملایان را در هم ریخت. آنان در این ایام به خاطر ربودن انقلاب مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه جشنهای بزرگی برپا می کنند.

زهرا رجبی، عضو شورای رهبری مجاهدین در ۲۰ فوریه ۹۶ در جریان یک ماموریت انساندوستانه برای کمک به پناهندگان ایرانی در استانبول ترکیه، به همراه علی مرادی، یکی از هواداران سازمان به دست مزدوران وزارت اطلاعات به نحو زنیانه ای به قتل رسید.

برخی جنایتیهای وزارت اطلاعات در طی سالهای گذشته شامل ترور پروفسور کاظم رجوی، برادر رهبر مقاومت ایران و نماینده شورای ملی مقاومت در سوئیس (آوریل ۱۹۹۰)، ترور اعضای مجاهدین، خانمها عفت پورحداد و فرشته اسفندیاری (مه ۱۹۹۵) و ابراهیم سنایی، یارعلی گربنار و حسین سدید (ژوئیه ۹۵). احمد صدر لاهیجی (ژوئن ۹۴)، نصرت باهو و یحیی محمدپور (نوامبر ۹۷) در عراق، ربودن، مثله کردن و ترور اکبر قربانی در ترکیه (۱۹۹۲)، کشتار سه تن از رهبران مسیحیان در ایران (۱۹۹۴)، انفجار بمب در حرم امام رضا، هشتمین پیشوای شیعیان، در مشهد (۲۰ ژوئن ۹۴)، برپایی شبکه های تروریستی در سراسر اروپا، آمریکای لاتین و آسیا و قتل ناراضیان ایرانی همچون ترور چهار مخالف کرد ایرانی در برلن، آلمان (سپتامبر ۱۹۹۲)، برنامه ریزی و اجرای کلیه دستگیریها و اعدام زندانیان سیاسی از سال ۸۴، به ویژه قتل عام زندانیان سیاسی در سپتامبر ۱۹۹۸، ابداع و اعمال وحشیانه ترین شکنجه ها بر روی زندانیان مقاوم، ایجاد خانه های امن برای کشتارهای مخفیانه، ادیت و آزار مستمر خانواده های مجاهدین و سایر قربانیان رژیم ملایان، کنترل ادارات، مدارس، دانشگاهها و کارخانجات و دستگیری مخالفان در این مراکز و سرکوب تظاهرات آنها، می باشد.

وزارت اطلاعات رژیم ملایان که به شدت مورد تنفر و انزجار مردم ایران قرار دارد، همان محل ساواک رژیم شاه است. در جریان قتلهای اخیر، خامنه ای و رهبر و خاتمی، رئیس جمهور ملایان، اعضا و مسئولان جنایتکار این وزارتخانه را وفادارترین و صادق ترین نیروهای انقلاب اسلامی و مدیران لایق و سرمایه های ارزنده کشور توصیف کردند. و در وصف جنایات این ارگان سرکوبگر خامنه ای صراحتاً اعلام کرد: اگر این مجموعه نبود، شما خیال می کنید این انقلاب جان سالم بدر می برد؟

سازمان مجاهدین خلق ایران/ ۱۱ بهمن ۱۳۷۷

وزیر اطلاعات خاتمی کیست؟

علی یونسی وزیر اطلاعات از جمله افرادی بوده که از ابتدا نقش مهمی در سرکوب مردم و جنبش آزادیخواهانه داشته است. وی ۴۳ سال دارد. به گزارش خبرگزاری رژیم (ایرنا) یونسی در گذشته دارای مشاغل زیر بوده است:

۱۳۵۹ - حاکم شرع هیأت هفت نفره واگذاری زمین در قم

۱۳۶۱ - مسئولیت آموزش عقیدتی - سیاسی کمیته های انقلاب اسلامی، با حفظ سمت قبلی

۱۳۶۳ - رئیس شعبه دادگاه انقلاب در تهران. بعد از آن رئیس شعبه ی دوم دادگاه انقلاب ارتش و پس از آن حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش

۱۳۶۵ - همکاری با محمدی ریشهری در تاسیس وزارت اطلاعات. شرکت فعال در طراحی و تاسیس سازمان قضایی نیروهای مسلح. در همین سال نماینده خمینی برای بازسازی حفاظت اطلاعات در ارتش بود.

۱۳۶۷ - نماینده جانشین فرمانده ی کل قوا در حفاظت اطلاعات ارتش

۱۳۶۷ - شرکت در گروهی که خمینی برای کشتار زندانیان سیاسی تعیین کرده بود و دانستان عمومی تهران

۱۳۶۹ - حاکم شرع ویژه امور قضایی و آخرین سمت او رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

اعلام موجودیت حزب دولتی «کار»

خبرگزاری رژیم روز ۲۰ بهمن ۱۳۷۷ اعلام نمود که حزب اسلامی کار که علیرضا محبوب، سهیلا جلودار زاده، عبدالرحمان تاج الدین و ابوالقاسم سرحدی زاده از اعضای هیأت مؤسس آن معرفی شده اند. رسماً اعلام موجودیت کرد. تمامی این افراد از نمایندگان مجلس رژیم و در جناح خاتمی قرار دارند. ابوالقاسم سرحدی زاده ضرورت ایجاد این حزب را «شرکت دادن نیروهای تولیدی جامعه در قدرت سیاسی و همچنین تلاش برای حفظ همه دستاوردهای انقلاب اسلامی» اعلام کرده است. خبرگزاری رژیم در گزارش خبری خود گفت که در آخرین کنگره «خانه کارگر» در سال گذشته تصمیم به ایجاد این حزب گرفته شده است.

لازم به توضیح است که خانه کارگر ۲۰ سال قبل و در آستانه انقلاب بهمن توسط فعالان جنبش کارگری ایجاد شد و پس از مدتی به وسیله جماعتداران و حزب اللهیها که مؤسسين «حزب اسلامی کار» نیز از گردانندگان آن بودند اشغال و استقلال خود را از دست داد و به یک زائده رژیم تبدیل شد. گردانندگان خانه کارگر در شناسایی، دستگیری، شکنجه و اعدام بسیاری از فعالان جنبش کارگری نقش مهمی داشته و بسیاری از کارگران به وسیله خانه کارگر روانه جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق شدند.

پس از پایان جنگ و اتخاذ سیاست «تعدیل اقتصادی» و «تعدیل نیروی انسانی» که همان بیکار سازی کارگران است، گردانندگان خانه کارگر در همدستی با «شوراهای اسلامی کار» و «انجمن اسلامی کارگران» که از ارگانهای سرکوب کارگری هستند، در هماهنگی با وزارت کار می کوشیدند تا مبارزه کارگران را که ابعاد جدیدی پیدا کرده بود، منحرف نمایند. با تشدید اوضاع اقتصادی کشور و وخامت وضع کارگران و تعرضی که طی سالهای گذشته به سطح زندگی و معیشت مردم صورت گرفته، طی این سالها و به ویژه طی سال گذشته مبارزه کارگران ابعاد گسترده ای پیدا کرده و بدین جهت گردانندگان خانه کارگر و جناح خاتمی درصدد برآمده اند تا با ایجاد یک حزب دولتی جدید، جنبش کارگری را کنترل کرده و آن را از مسیر اصلی که همان مبارزه سیاسی علیه رژیم است باز دارند. حزب اسلامی کار، نه یک حزب کارگری، بلکه حزبی در جهت اهداف کل رژیم به طور عام و جناح خاتمی به طور خاص است. □

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۷

برای فکر کردن در امور نامحدود را نمی پذیرد و با مسأله ولایت از ریشه مخالف است. و بالاخره این که افزود: «این افراد از نظر علمی بین استادان و مردم عادی قرار می گیرند و طبقه میانی این دو قشر را تشکیل می دهند که بیش از آنچه که می دانند حرف می زنند و موج ایجاد می کنند». (ابزار ۹ مرداد ۷۵)

ملاحظه می کنید که جان کلام در همین جمله آخر است. آنها موج ایجاد می کنند، موج بیداری و اعتراض در توده های مردم و این خواب و آرامش مستبدان در مسند قدرت را آشفته می کند. پس باید سر به نیستشان کرد تا موجی ایجاد نشود و توده ها همچنان بر این باور بمانند که عقل آنان محدود است و چیزهایی هست که تا ابد از آن سر در نخواهند آورد و فقط رهبرانی که از عالم وحی کمک می گیرند قادر به فهم آن هستند.

اما روضه خوانهای متکبر و جنایتکار، درس غلطی از تاریخ گرفته اند، چون اگر با گرفتن و بستن و کشتن اهل اندیشه و قلم قرار بود جباران و حکومتیهای سرکوبگر باقی بمانند نه ناصرائین شاه به آن سرنوشت دچار می شد. نه محمد رضا شاه سقوط می کرد و نه استالین که روزی رهبری خداگونه با آوازه بی گسترده در فراسوی مرزها بود. آن گونه که همه می دانند.

جنایاتش از پرده بیرون می افتاد. از سوی دیگر اوضاع و احوال کنونی ایران نشان می دهد که با آن همه «پاکسازی» دانشگاهها از استادان «طاغوتی» و «مرتد» و با تعطیلی دو ساله دانشگاهها و دستگیری و کشتار دانشجویان طرفدار گروههای سیاسی. آن همه تلاش برای تحریف و سانسور و تاریخ و ندیده گرفتن چهره های ملی و مبارز، آن همه تهمت و افترا و تعقیب و سرکوب اهل قلم، نه تنها آخوندها را به هدفشان نرسانده، بلکه به ضد خودش تبدیل شده است.

جوانانی که برای «سرباز خمینی» بودن و شعار حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله تربیت می شدند و باید مرید و مقلد «روحانیت» بار می آمدند. حالا شعار سرگ بر استبداد و درود بر مصدق سر می دهند. چهارشنبه سوم فوریه (۱۴ بهمن) کانال ۵ تلویزیون فرانسه گزارشی داشت در مورد ایران که به مناسبت بیستمین سالگرد به قدرت رسیدن روضه خوانها در ایران تهیه شده بود. در قسمتی از این گزارش یک راهپیمایی نشان داده شد که شرکت کنندگان اکثراً از جوانان بودند. آنان شعار می دادند «انحصار استبداد دو روی یک سکه اند». آزادی اندیشه، همیشه همیشه... روزنامه کیهان ۳ بهمن نیز در مطلبی نوشته بود که مراسم سالگرد درگذشت مهندس بازرگان به تظاهرات «ضد نظام» تبدیل شد. در آن مطلب که شرکت کنندگان در تظاهرات مورد حمله روزنامه کیهان قرار گرفته اند، شعارهایی از همین نمونه به عنوان شعارهای تظاهرات ذکر شده بود. چند شماره پیش از این یادآور شده بودم که ناطق نوری در مجلس یادبود لاجوردی جنایتکار در سخنانی ضمن اظهار نگرانی از اوضاع گفته بود که دانشجویی در دانشگاه می گوید در اول انقلاب حاکمیت انقلابی بود، حالا که هر که در برابر حاکمیت بایستد انقلابی است و دیگران برای او کف می زنند. دانشجوی دیگری می گوید اسم سیصد بار قانون اساسی را نقض کرد. دیگران برای او کف می زنند... به گمان من این واقعیتها گواه آن است رژیم از مهلکه بی که در انتظارش نشسته گریزی ندارد و جوانان امروز، روزی با قبر خمینی که این رژیم منحوس و ضد ایرانی را پی ریزی کرد. همان خواهند کرد که خلخال با قبر رضا شاه کرد. □

شوراها، مصالح دموکراسی

- کریم قصیم

همیشه کمان بر زه آورده باش
بسپج کمین کرده ها کرده باش
فردوسی

سرمقاله روزنامه آیندگان - شماره ۱۶ اسفند ۵۷هـ

در طی حکومت خاندان منور پهلوی میهن ما به کشوری سرمایه داری و زیر سلطه امپریالیسم تبدیل شد. ورود و استقرار این مناسبات در عرصه تولیدی همراه با پیکار طبقاتی هم جانبه بی علیه مناسبات و نیروهای اجتماعی کهنه صورت نپذیرفت، بلکه صرفا توسط قلع و قمع و سرکوب انجام گرفت. همزمان با اعمال رویه قدره بندی و سپس جاگیری مناسبات سرمایه داری در عرصه اقتصاد، نهادهای سیاسی - دولتی ماقبل سرمایه داری نیز به تصرف روابط تولیدی جدید درآمد و انحصارات امپریالیستی توسط دسته های کارگزار بومی خود این غنائم استبدادی را مصالح هرم دیکتاتوری نظامی - پلیسی خود کردند. مناسبات تولیدی جدید و نظام سیاسی آن. شکفته از کاشته های پیکار طبقاتی همه جانبه بی نبود. محصول زور و زر کودتاچیان بود و از این رو با آن که رفته رفته روابط سرمایه داری بر تولید و توزیع و گردش کالاها غلبه یافت، اما در عرصه نظام سیاسی و دستگاههای دولتی آن چه چیره شد طبقه بی به نام بورژوازی ایران نبود، خاندان پهلوی و اعوان و انصارش بودند. سایه سهمگین و شوم این استبداد جدید دولتی - شاهنشاهی پوششی خون آلود بر فراز کلیه اقشار و طبقات زحمتکش و لایه های گوناگون بورژوازی ایران کشید. آن بخشهایی از بورژوازی که زاده از بطن جامعه ما بودند تحت الشعاع هجوم و گسترش شبکه های سرمایه انحصاری جهانی قرار گرفته و از شکوفایی افتادند و در عرصه های سیاست و دولت به جز دوره هایی کوتاه و ناکام یکسره دور از دخالت ماندند.

آن پاره هایی از بورژوازی که به برکت چنگ اندازی امپریالیسم و به اتکای شبکه بانکی و سرمایه گذاریهای آنها و سپس انتفاع از ذخیره عظیم مالی نفت پیدا و پرور شدند دیگر چاره بی نداشتند جز سر نهادن به نیازها و کردار قدرت برخاسته از همان زمینه ی زایش خودشان. از این رو آن چه با گذشت زمان بر نشست. همانا روابط سرمایه داری انحصاری وابسته و سیاست خاندان پهلوی به مثابه کارگزار سرمایه انحصاری بود و این روند همزادی به نام جریان رشد و شکوفایی آزاد و رقابت آسبز لایه های بورژوازی و پیدایش و گسترش پیکارهای طبقاتی مستقل و خودگاه و مجموعه روابط و سازمانها و فرهنگ دموکراسی نداشت. لذا آداب و رویه و مناسبات ویژه یک چنین نظامی نیز نشکفته ماند. طی این دوران استقرار و استحکام استبدادی پهلوی، جوانه های دموکراسی همواره قربانی بقای سلطه و منافع سرمایه جهانی و کارگزاران بومی آنها گردید و پیدایش و گسترش نظام تولیدی بورژوازی با جان گیری و همه جاگیری نظام دموکراتیک حکومتی هم پا نشد. استبداد آسیایی دیرپای دولتی، به شکل و شمائلی جدید و مدرنیته، مجهز به آخرین دستاوردهای جنتیگری و سرکوبگری بر تمامی پیکره میهن ما چنگ انداخت و در این راه ذخیره های انبوهی از آداب و رسوم، رفتار و اندیشه های استبدادی گذشته تکیه گاه فکری و روانی رژیم فاشیستی ماب پهلوی گردید.

مردم میهن ما هم به غیر از فواصل کوتاهی قرنهای است تحت سلطه استبداد اندیشه سوز دولتهای شاهی بوده اند. بر فرهنگ مادی و معنوی ما چنان لطافت و ضربات سختی وارد آمده که تنها التیام برخی از این جراحات نیازمند دگرگونیهایی رادیکال و انقلابی می

باشد و تجربه نشان داده که از کوششهای ناتوان فرمیستی به شیوه آسب برو آسب بیا که گریه شاخت نزند، کار چندانی ساخته نیست. استبداد طولانی دولتی از لجام گسیختگی و قلدری و جولاندهی در عرصه های ملموس زندگی عبور کرده و در پهنه های بیکران ندیای درونی مردمان و لایه های پیچیده و پنهان ضمیر آنها جای گرفته است. استبداد نه تنها از جانب دربار و دولتت بر مردم اعمال می شده است، که دیرگاهی است ندانسته از سوی خود مردم نیز بیرون تراویده و جاری است: عادات، خلق و خو، قبول قسمت محتوم، پرورش پر تحدید و ترس کودکان و نوجوانان، روحیه فرمان برداری کورکورانه، گرایش به کیش شخصیت و گرفتار بودن توده ستمدیدگان در بندهای سنگین عدم تفاهم و تحمل همدیگر، گرایش به خشونت و تحمیل در برابر تنوع نظارت و عقاید مردمی، خودسانسوری و احتشام نسبت به مراجع قدرتمدار. انواع این کنشهای دژخویی و بزدلی که قرنهایست در خلل و فرج پیکره شخصیت و ژرفای روان ما خلیده اند، بارها چون زنجیره بی ناپیدا، دورانهایی گسسته استبداد دولتی و فترت قدرتهای مرکزی خودکامه را به هم پیوسته و مانع از پیدایش فضایی فارغ از قلدرمنشی و جبر حکومتی شده اند. چنین زمینه بی بوده است که به هنگام شکستها و شکافهای دولت استبدادی باز هم امکان بازگشت و جاگیری مجدد سیستم خودکامگی را در اذهان عمومی آماده نگه داشته است. بد نیست به نزدیک ترین مثال تاریخی توجه کنیم: کودتای ۲۸ مرداد به هنگامی رخ داد که میلیونها نفر از ستمدیدگان ما عضو و یا هوادار سازمانهای مردمی بودند. ارتجاع جهانی از روی اجبار به عده بی رجاله و اوباش متوسل و کودتا انجام شد. می دانیم که سازمانها و رهبران آن روزی بد هر دلیل و به هر رو، به فرمانها و شیوه های انقلابی جهت مقابله سریع و با ثمر با کودتا روی نیاروندند. ولی از سوی دیگر میلیونها نفر ستمدیده بی که به خطرات ناشی از یک کودتای پیروز کمابیش واقف بودند، منتظر دستور و رهنمود رهبری آن قدر در خانه بماندند، آن قدر خودجوشی انقلابی را در حصار انتظار فرمانهای هرگز صادر نشده نگه داشتند که فاجعه پیش آمد و همه جا را گرفت. در حالی که مقاومتی سریع ولو بدون فرمان رهبری و به طور خودزا و شورشی می توانست خیلی سریع دسته رجاله ها و کودتاچیان را تارومار کند می دانیم که این چنین نشد و این ورق فاجعه بار تاریخ میهن ما در پیش روی میلیونها چشم نگران و علیرغم وجود لشکر عظیمی از دستهای آماده به قیام ولیکن رمیده و منتظر فرمان، نوشته شد. نهضت عظیم نافرمانی و اعتصاب و سپس خیزش مسلحانه توده مردم در سال ۵۷ به دم و دستگاه استبداد و سرانجام برج و باروهای شاهی، یورش خودخواسته و فراغ از سازماندهی و مرکزیت خاصی بود، این نهضتی عمیق و برخاسته از بطن وسیع ترین ابعاد اجتماع ما و سر تا پا متوجه هرم استبداد دولتی بود. و هم اکنون در میان گسترده ترین لایه های جامعه حال و هوای آزادی خواهی موج می زند و کوشش برای جستن و برکندن ریشه های اجبار و استبداد، همچون نیازی پیوسته و پیونده در پیکار بی امان خلق علیه خودکامگی جریان دارد. در فضای ذهن جامعه کلام شخصیت روحانی آزاده و اندیشمندی به گوش می رسد که ندا می دهد: «من حتی دموکراسی همراه با هرج و مرج را به دیکتاتوری ترجیح می دهم» (آیت الله عزالدین حسینی). و این آوای ستمدیدگانی است که با صاحبان استبداد و اجبار ستیزه بی پر شکست و فاجعه داشته اند و اکنون چشم امید دیرینه را به آستان فرا رسیده آزادی و اختیار دوخته اند و در تکاپوی حفظ و بقای حیات این تعالی اند. ولی نگهداری و گسترش آزادی و دستاوردهای آن، پیوسته در گرو اشکال و ابزارهای متناسب و مطلوب و مردمی است.

مردم ما بارها و در فرصتهای بسیار مساعد توانی بزرگ و برا به هم زده اند. لکن همواره این قدرت را به انحصار مرکزی تفویض کرده اند که به ندرت در اندیشه توان بخشی به نهادهای گسترده خلقی بوده اند. در تاریخ معاصر ما تا قبل از این دوران اخیر هیچ گاه شبکه بی وسیع و فراگیر از واحدهای قدرت مستقیم خلق که به هم گره خورده و توری سراسری برگستراند پدید نیامده بود و پیوسته ارتجاع با حمله به مراکز قدرت رهبری و تارو مار کردن ستاد فرماندهی به پیروزیهای سریع رسیده است. در حالی که هر جا و هر وقت که نطفه و نهادهای از شورا و انجمن خلقی برپا شده. علیرغم حمله و هجوم دشمن باز هم پیکار پاینده بوده و به درازا کشیده است. انجمنهای دوران آغاز مشروطیت و نقش آنها در تداوم نبرد از جلوه های درخشان این پدیده است. آن چه اکنون پیش چشم ماست از یک سو پیروزیهای بزرگ خلق و شکافها و شکستهایی عمیق در اردوی ضد خلق است و از سوی دیگر فقدان سازمانهای دموکراتیک و انقلابی سراسری و فراگیر برای حفظ دستاوردهای نبرد و تداوم حالت بسیج مردم علیه فتنه انگیزیها و توطئه های ارتجاع داخلی و امپریالیستی است. برای تمرین دموکراسی و مبارزه با روحیه کهن سال استبدادی و مقابله با تمهیدهای ضد انقلاب جای هیچ گونه درنگ و اعتماد کورکورانه به کیش فردی نیست. در یک چنین متنی است که شوراها به مثابه کارآمدترین شکل و شیوه بسیج هوشیاری و دخالت خلق در امور. حافظ و ضامن بقای نبرد مردم علیه طرحها و برنامه هایی هستند که با فکر و فریب و زور و زر در صد انحراف، ابطل و انهدام دستاوردهای انقلاب اند. شوراها دارای زمینه بی فنی و سرشار از توان و استعداد و امکان برای انواع سازماندهیهای مخفی و آشکار انقلابی و آزادی خواهانه می باشند. اگر اندیشه و برنامه های انقلابی به طور گسترده و منظم در متن شوراها پخش و ترویج شوند و به ویژه اگر شوراهای کارگری در همه جا پا گیرند و مجهز به اندیشه انقلابی گردند، کلیه طرحها و تله های امپریالیسم و فلاتنیسم در کمین نهسته، به شکستی محتوم گرفتار خواهد آمد. شوراهای خلق در کارخانه. اداره، مراکز علم و آموزش، واحدهای روستایی. پادگانها و در محله های سکونت. شبکه بی عظیم از قدرت زنده و فعال و متنوع مردم را فراهم می آورند که در هم ریختگیها و آشفتگیهای جوراجور کنونی را به سامانی مردمی و مترقی و اغتشاش خطرناک کنونی را به نظمی متکی به خلق تبدیل می کنند و خطر قدیمی «بازگشت دیکتاتور برای ایجاد نظم» را منتفی می سازند. می دانیم که طرح شوراهای گرفتار ابهامات تزویج در کم و کیف مسائل و راه حلها می باشد ولیکن پرسیدنی است که کدامیک از قدرتها و مراکز گوناگون کنونی، برنامه و رویه مرتب و سنجیده و روشنی دارند. قرائن حاکی از ناتوانی شدید مراجع دولتی در رفع و رجوع امور می باشد و رخ دادهای بی شماری حکایت از وجود شبکه های فلاتنیستی پر قدرتی می کنند. حفظ و حراست از محصولات انقلاب پیوستن و توانمندی شوراهای خلق و همکاری دولتمردان ترقی خواه با آنهاست. در شرایط به هم ریخته کنونی هیچ نیرویی بهتر از خود شوراهای توانایی بررسی و حل و فصل مشکلات و معضلات را در جهت گسترش آزادیها و بهبودی وضع عمومی زندگی مردم و نیز تداوم انقلاب ندارد. اگر معاندین و مغرضین و سازشکاران با توسل به حيله و زور جلوی رشد و شکوفایی شوراهای را نگیرند یقینا در متن این واحدهای دموکراتیک خلق امکانات لایزالی برای رفع و رجوع کاستیها و نیز تغذیه و رشد سازماندهیهای انقلابی موجود است. مهم آن است که شوراهای به مضمون کار خود بیشتر توجه کنند، از خرده کاری و ظاهرسازی گذشته و در رتق و فتق امور اساسی مملکتی دخالت ورزند و در مشارکتی سازنده و رشد یابنده با مراجع و مسئولین دولت وقت قرار گرفته. در

شوراها، مصالح دموکراسی

بقیه از صفحه ۹

ضمن تواندهی به اقدامات و پیاده کردن طرحهای مسترکی دولتی به گستردگی و بالندگی نهادهای دموکراسی مستقیم مردم روالی عملی بخشند.

چه تجارب جهانی و چه درسهای تائکونئی شوراهای در کشور روشن می کنند که شکل شورایی به خودی خود دوی دردهای اساسی انقلاب و آزادی نمی باشد. آن چه اهمیت دارد ترکیب طبقاتی شوراهای، کیفیت انقلابی افکار و اندیشه های حاکم بر آنها و وسعتگیری اجتماعی آنها در عمل است:

بشک باشد لفظ و معنی بوی او

مشک بی بوی پسر خاکستر است

اصولا شوراهای که از بطور حرکات جوشنده و قائم بالذات توده های انقلابی بیرون می آیند، نطفه های قدرت مستقیم خلق بوده و متکی به روابط و ضوابط ویژه یی برای حفظ و توسعه این قدرت می باشند. زمینیه پیدایش و پاکگیری شورا همیشه گرایش مردم به اعمال حق تعیین سرنوشت خود می باشد و اصل اساسی ایده شورا در وحدت تصمیم و اجرا نهفته است و دراستقلال رای و عمل جلوه می کند. شورا به مثابه سلول زنده و خودزای قدرت مردم هیچ گونه سیادت و آقابالاسری را پذیرنده نیست. از این رو محدود کردن شورا به وظایف مشورتی و معاونت مطیع وزراتی طرحی برای تهی کردن شورا از مضمون و معنی اصولی است.

مردم ما در حین پیکار عظیم ضد استبدادی اخیر خود به پی ریزی شوراهای روی آوردند. آنها همراه یورش به درهای زور و زر نهادهای و روشهای دموکراتیک مطلوب خود رانیز به وجود آوردند. مردم این بار خیلی صریح و بی تکلف در ابعاد کشوری به دموکراسی مستقیم و بنای شوراهای همت گماشتند. این دیگر وظیفه تاریخی روشنگران خلق می باشد که به این گرایش عمومی لیبیک گفته. در تشریح، تنظیم و رو به راه کردن مبانی تئوریک و شیوه های عمل شورایی یاور و شریک کار مردم شوند و شوراهای را از گزند تندروییهای مضر، تاکتیکهای فالانژیستی و قرار و مدارهای فرساینده دور و ... محفوظ نگه دارند. روابط شوراهای خلق از پایین ترین سطوح تا شوراهای مرکزی. با دولت و وزرای کابینه انتقالی - انتصابی کنونی بر اساس نیازها و ضرورتهای انقلاب تنظیم می گردد. اگر دولت موقت و فرستادگانش خود را محصول انقلاب می شمارند دیگر نباید با محصول بسیار مهمتری از همین انقلاب که شوراهای خلق باشند سرناسازگاری داشته باشند.

در زمانی که فشار فالانژیسم برکار و افراد همین کابینه موقت وارد است دیگر برای دولتمردان خادم جای شکوه و شکایتی از شوراهای خلق باقی نمی ماند. همسویی و همکاری آنها با شوراهای مردم در کارخانه، اداره، آموزشگاهها، روستاها و سربازخانه ها و محله ها گواهد همبستگی آنها با دموکراسی مطلوب مردم خواهد بود و بیان مخالفت آنها با هر نوع راه و روش تحمیلی و تحمیتی بر مردم به پا خاسته ما. مساله اساسی انقلاب جاری بر پا کردن نظامی دموکراتیک در طی بیکاری همه جانبه علیه استبداد داخلی و امپریالیسم می باشد. این دموکراسی حتما نباید به معنی دموکراسی مسالک غربی باشد. اما خواست مردم هم ولایت فقیه نبوده است. آن چه خود پا گرفته و مشخص شد همانا دموکراسی مستقیم مردم است از طریق شوراهای. این دموکراسی مستمر. امکانات تعالی اجتماعی را در خود نهفته دارد و از این رو همچون زمینه یی برای رشد و شکوفایی همه جانبه انقلاب محسوب می شود.

۱۶ اسفند ۱۳۵۷

رد پای «روباه صحرا»

- منصور امان

هنگامی که آمریکا به همراهی بریتانیا در دسامبر گذشته بمباران چهار روزه خویش علیه عراق را آغاز کرد. در حقیقت همزمان نقطه پایان بر ائتلافی نهاد که پیشتر (سال ۹۰) عملیات «طوفان صحرا» را ممکن ساخته بود. طی آن تهاجم برای نخستین بار جمع مؤثری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد به منظور اجرا و به کرسی نشاندن قطعنامه های این سازمان و شورای امنیت آن، متحداً علیه یک کشور دیگر عضو. دست به اقدام نظامی زدند.

در آن زمان به نظر می رسید نظم نوین به تدریج اشکال و اهرمهای سیاسی خود را در حلقه نظم دوگانه ابرقدرتها یافته باشد و بسیار گمان می کردند از این پس نهادهای سیاسی بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد نقش فزاینده ای در تدبیر روابط میان کشورها و چیرگی بر بحرانیها و کشمکشهای گوناگون خواهند یافت. شواهدی چند و از همه مهمتر فروپاشی اتحاد شوروی این حدسها را تقویت می نمودند. اما آنچه که همه این تحلیلها بر پایه آن استوار شده بود. یعنی تصور منافع مشترک برندگان جنگ سرد. بیشتر از آن که به واقعیت موجود - دوران پس از جنگ سرد - نظر داشته باشد. ملهم از یک ویژگی اجتناب ناپذیر دوران گذشته بود. بلوک شرق و چالشی که در اشکال رقابتهای سیاسی، نظامی و اقتصادی و همچنین تلاش برای گسترش نفوذ خویش در کشورهای پیرامونی در برابر جهان غرب قرار داده بود. ضرورت اقدام مشترک و متحدانه جهان غرب را به یک اف حیاتی بدل نموده بود. پذیرش رهبری ایالات متحده در همین چارچوب قابل درک است.

در خلال جنگ دوم جهانی نیز به راستی تصور اهداف و چشم اندازهای مشترک اعضای جبهه متحدی که تحت عنوان متفقین گرد آمده بودند. جز آنچه که به آلمان نازی مربوط می شد، بسی ساده اندیشانه بود. و همان گونه که با پایان جنگ دوم و غلبه بر دشمن مشترک. بلافاصله نبرد بر سر کسب امتیازات و منافع جدید و یا حفظ و تحکیم دستاوردهای جنگ. متفقین را به اردوها و بلوکهای متفاوتی تقسیم کرد. به همین روال نیز خاتمه جنگ سرد. مطالبات فرعی شده. به سود اهداف اصلی را از زیر به سطح آورده و بدین گونه موجب پدید آمدن آرایش سیاسی نوینی گردید که حوزه تجلی آنها، تنها با توجه به شرایط نوین قابل رویت و بررسی می باشد. کوشش برای تقویت نقش سازمان ملل در این دوره، در حقیقت خصلت آشتی پذیر اختلاف و یا احياناً تضاد منافع بازماندگان جنگ سرد را به نمایش می گذارد. احتراز از تشکیل صف آرییهای آشکار - بدانگونه که بلوکهای غرب و شرق به نمایش می گذاشتند - اما به هیچ وجه نمی تواند این حقیقت را پنهان کند که نبرد بر سر تقسیم حوزه های نفوذ سیاسی و اقتصادی دیربست که آغاز گردیده است و به میزانی که منافع ملی کشورهای جهان غرب، مطالبات مشخص تر و اهداف روشن تری را طرح و فراراه خود قرار بدهد. به همان میزان تعمیق قطب بندیها در بلوک غرب نیز شتاب بیشتری به خود خواهد گرفت.

عملیات «روباه صحرا» به همراه زمینه ها و نتایج خود. با صراحتی بی سابقه بر این حقیقت مهر تایید نهاد. ایالات متحده که حضور نظامی درازمدت در خلیج

فارس را به یکی از اهداف استراتژیک سیاست خارجهی خود تبدیل نموده است. در حالی حمله به عراق را آغاز کرد که پیشتر نه حمایت متحدین اروپایی و منطقه ای خویش را کسب کرده بود و نه این اقدام از سوی قطعنامه های سازمان ملل پشتیبانی می شد. آمریکا همواره از تهدید صدام حسین برای صلح در منطقه و جهان سخن رانده و به نوعی این تهدید را در توجیه افزایش حضور و نفوذ خود در خلیج فارس به کار گرفته است. این که به راستی کشوری که هشت سال زیر شدیدترین تحریمهای اقتصادی و سیاسی بسر برده. دامنه اعمال حاکمیت دولت آن به شدت محدود گردیده است و علاوه بر اینها در تمام طول این دوره تحت نظارت ویژه و بازرسی دائمی کارشناسان و نمایندگان سازمان ملل متحد بوده چگونه همچنان یک تهدید برای صلح جهانی به شمار می آید. سؤال است که برای پاسخ بدان بازمینی و بررسی نقادانه بیان و میزان کارایی واقعی تحریم و بازرسیها در درجه اول منطقی به نظر می رسد. اما ایالات متحده ترجیح داده که تهدید را حفظ کرده و خود مستقلاً بدان بپردازد. کنترل آنچه به اشریان حیاتی غرب مشهور است و به کشورهای نفت خیز پیرامون خلیج فارس اشاره دارد. بی شک از آنچنان اهمیتی برای آینده تنها ابر قدرت جهان در روابطش با رقبای دیگر برخوردار است که ریسک تنشهای محدود در نتیجه چنین اقداماتی را نیز در محاسبات خود می گنجد.

اما آنچه که پس از عملیات «روباه صحرا» روی داد. واقعیات دگرگون شده جهان چند قطبی را به بارزترین شکل به آمریکا یادآوری کرد. ابتدا اغلب کشورهای اروپای غربی با لحنهای مختلف و سپس دیگر اعضای دائمی شورای امنیت از این اقدام فاصله گرفتند. شوک بعدی با ابراز نارضایتی دیر کسل سازمان ملل. کوفی عنان. از اقدام نظامی علیه عراق وارد شد. پیامدهای سیاسی عملیات مربوط به شکاف میان متحدین. دیگر اجتناب ناپذیر به نظر می رسد و در عمل نیز با زیر سؤال رفتن مجموعه سیاست گذشته در برابر عراق و نیز رئیس اجرایی کمیسیونهای ویژه سازمان ملل، ریچارد بانلر و سازمان تحت مسئولیت او انسکام. پرواگ منفی اقدام نظامی یک جانبه آمریکا. حداقل در این رابطه. به چیدن دوباره مسیر عراق انجامید. حتی جامعه کشورهای غربی نیز که به داشتن رویکردهای ضد آمریکایی مشهور نیستند و در خلال جنگ کویت. در زمره متحدین واشنگتن به شمار می رفتند. خواهان برچیده شدن تحریمها گردیدند.

سیاست «پانامائیزه» کردن عراق شکست خورد و آنچه که آمریکا تصور می کرد یک جنگ خصوصی ست. خود را در هیأت یک بحران بین المللی به نمایش گذاشت رونالد ریگان با حمله به پاناما و دستگیری رئیس جمهور این کشور. نوریکا. تحت شرایطی عمل کرد که امروز دیگر وجود ندارد. در آن زمان روابط تجاری و منافع اقتصادی برای کشورهای متحد آمریکا با وجود اتحاد شوروی و پیمان ورشو. به مراتب از وجه تقدم کمتری برخوردار بودند. این حمایت در مجموع برای جهان سرمایه داری حیاتی و استراتژیک محسوب می شد. در شرایط فقدان این تهدید بالقوه. بالطبع از درم تنیدگی منافع چند جانبه سیاسی - اقتصادی نیز صحبتی نمی تواند در میان باشد. به ناگزیر پایه نظم نوین جهانی. بر بستری قرار می گیرد که سرمایه داری از آن نقطه رو به گسترش و تزاید نهاد. یعنی رقابت. ویژگی مسلط بر روابط قطبهای سرمایه داری. چه در پهنه سیاسی و چه در حوزه اقتصاد رقابتی خواهد بود

بقیه در صفحه ۱۱

رد پای «روباه صحرا»

بقیه از صفحه ۱۰

که پیشتر از اواسط قرن هیجدهم تا اوایل قرن بیستم و همچنین در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم تجربه شده است، با این تفاوت که ارزشهای فرهنگی تمدن قرن بیستم از یک سو و پیشرفت سلاحهای کشتار جمعی از سوی دیگر، احتمال خصمانه شدن رقابت را به مقدار زیاد کاهش داده است.

وجود رد پای منافع مشخص در انگیزه آن دسته از کشورهایی که به نكوهش تهاجم نظامی آمریکا پرداختند، نکته تازه ای نیست. بی سابقه این است که برای نخستین بار موقعیت ایالات متحده به عنوان رهبر بی گفنگوی جهان غرب به دلیل بروز این منافع، مورد پرسش قرار می گیرد و این کشور را ناچار به تفاهم می گرداند. نگاهی به اقدامات بعدی آمریکا پس از آغاز مشاجرات پیرامون حمله نظامی به عراق، به خوبی بیانگر سردرگمی سیاست خارجی این کشور برای انطباق خود با شرایط جدید است. در همان حال که ایالات متحده در شورای امنیت ناچار به پذیرفتن توافقات جدید پیرامون آینده عراق شده است، هواپیماهای آمریکایی عملیات روزانه «نیش سوزنی» خود علیه تاسیسات رادار و ضد هوایی عراق را ادامه می دهند. در یک اقدام دیگر واشنگتن بودجه ای به مبلغ ۹۷ میلیون دلار را به منظور کمک به گروههای اپوزیسیون عراقی برای سرنگونی رژیم این کشور اختصاص داده است. جالب این جاست که در برابر این ژست غیر متعارف حتی اغلب گروههایی که نامشان در فهرست واجدین شرایط دریافت کمک قیید شده بود - به جز طرفداران مشروطه سلطنتی مستقر در لندن - با خودداری از دریافت آن واکنش نشان داده اند.

اما آمریکا بدون توجه به این واقعیت، یک مقام اطلاعاتی به نام «فرانک ریکیاردون» را به عنوان «نماینده ویژه برای دوران گذار» به منظور تجهیز و سازماندهی اپوزیسیون رژیم عراق تعیین کرده و حتی سخن از تشکیل یک «ارتش رهاآببخش» به میان آورده می شود. ترکیب و کویست در واکنش به این اقدام با تبارک چنین عملیاتی از طریق خاک خود مخالفت ورزیده و سرانجام «لورنس عربستان» جدید، ناچار به استقرار ستاد خود در واشنگتن می شود. دامنه آشفتهگی اکنون به نقطه ای رسیده که مقامات ارشد نظامی در پنتاگون هم پیرامون درستی این سیاست اظهار تردید می کنند. ژنرال «زینی»، فرمانده نظامیان آمریکایی در خلیج فارس، طی بیاناتی در کمیته خدمات مسلح سنا، پیامدهای سیاسی سازماندهی اپوزیسیون عراق را با آثار و نتایج جنگ ویتنام مقایسه کرد.

به نظر می رسد تدابیر واشنگتن، پیش از آن که ماهیتی عملی و جدی داشته باشد، در گام نخست حفظ پرستیژ و سپس خروج آبرومندان از این بحران خودساخته را هدف گرفته باشد. اما در هر حال تأثیرات سیاست مزبور، قطعاً موجب افزایش اعتماد متحدین آمریکا در منطقه نخواهد شد. افزایش فشار افکار عمومی در کشورهای عربی علیه حملات نظامی و تحریمها، اغلب دولتهای این منطقه را در موقعیت نامناسبی قرار داده است. آنان که همواره از جدا کردن حساب مردم عراق از صدام حسین دفاع کرده و تلوخا بر اقدامات آمریکا در جهت

سرنگونی صدام صحنه گذاشته اند، با توجه به شرایط جدید و سیاستهای مبهم واشنگتن یقیناً دیگر نمی توانند امیدوی به حل مسأله (برکناری رژیم عراق) و در این راستا برداشته شدن فشار افکار عمومی از روی شانه های خود داشته باشند. لحن دوگانه بیانیه کنفرانس وزاری خارجه اتحادیه عرب، مؤید همین واقعیت است. آنان در همان حالی که عراق را به رعایت قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل فرا می خوانند اما همزمان خواهان پایان یافتن تحریمها و بازگشت روال عادی اقتصاد در عراق می گردند و این بسی کمتر از آن چیزی است که تا پیش از عملیات «روباه صحرا» به تناوب خواهان آن بودند.

تأثیر دیگر این عملیات، به حاشیه رانده شدن سازمان ملل به مثابه یک نهاد بین المللی و افزایش وزن مجامع متشکل از نمایندگان قطب بندی جدید، مانند شورای امنیت، سازمان برای همکاری و امنیت اروپا، اجلاس سران هفت کشور، و اجلاس های ادواری دیگری که برای حل این یا آن مسأله تشکیل خواهند شد، می باشد. ناتوانی سازمان ملل در حل بحران در کشورهایی همچون سودان، رواندا، عراق، یوگوسلاوی (بوسنی و اخیراً کوزوو) که اغلب در نتیجه عدم پشتیبانی مؤثر اعضای اصلی این سازمان خود را به نمایش گذاشته است و نیز دور زدن آن توسط آمریکا و بریتانیا در تهاجم نظامی مورد بحث، کارایی چنین تشکلهایی با وجود علائق و اهداف متفاوت در بالاترین رده های اجرایی و تصمیم گیری را با تردیدهای جدی روبرو می سازد. سازمان ملل در گذشته نیز فراتر از یک زمین بازی با قاعده های مشخص را نداشته و در حقیقت ارگانی برای تخفیف و جهت دهی به بحرانهایی بوده که طرفهای اصلی آن در رأس این سازمان قرار داشته اند. حتی افزایش احتمالی اعضای دائمی شورای امنیت، بیش از آن که مؤید تلاش برای گسترش اعتبار این سازمان باشد، بیانگر جابجاییهای جدید در توازن قوا و صف بندیهای جهانی است که حل و فصل مسائل پیرامون آنها در مدارهای دیگری سواي ارگانهای سازمان ملل جریان می یابد. جنجال اخیر در رابطه با «آنسکام» که حتی اتهام جاسوسی نیز به میان آورده شد، گواه این واقعیت است که در خلا، یک تقسیم قدرت دموکراتیک در این سازمان، تصمیمات و یا ارگانهای اجرایی آن از تأثیر و اعمال نفوذ سیاستهای قدرتمند برکنار نخواهند بود.

پس از «روباه صحرا» مطمئناً تأثیر دیگر تحریمهای اعمال شده از سوی آمریکا از جمله علیه جمهوری اسلامی، به سان گذشته باقی نخواهد ماند. با وجود این که ایالات متحده کماکان قدرت برتر اقتصادی جهان غرب شمرده می شود اما پی آمدهای سیاسی اعمال تحریم علیه شرکتها و مؤسساتی که با رژیم حاکم بر ایران به داد و ستد می پردازند، به سادگی قابل رفع و رجوع نخواهد بود، به ویژه آن که تشکیل اروپای متحد و به گردش افتادن پول واحد اروپایی، میدان مانور علیه شرکتها و کشورهای مجزا و پراکنده را به گونه تعیین کننده ای محدود ساخته است. بنابراین می توان به خوبی تصور کرد که سیاست خارجی اروپای غربی در حوزه هایی که ایالات متحده در آنها به دلایل گوناگون حضور نیافته است، به گونه فعالتری وارد شود. امری که سرانجام می تواند مؤسسات و شرکتهای آمریکایی را نیز برای کسب سهم، به آوردن فشار به واشنگتن برانگیزد.

فوریه ۹۹

«نظم نوین» چنگ و دندان

نشان می دهد

- م. مرعشی

در ادامه جنگ گسترده و طولانی آمریکا و متحدانش علیه عراق، آمریکا و نزدیکترین همکارش انگلیس، در نیمه شب چهارشنبه ۱۷ دسامبر بر بسیاری از شهرهای عراق آتش کینه ریختند و خشم حیوانی خود را طی هفتاد ساعت با شلیک ۴۱۵ موشک کروز از هوا و دریا، نشان دادند. در این تهاجم گسترده هدفهای نظامی و غیر نظامی از جمله زیربنای اقتصادی عراق مورد حمله قرار گرفت و صدها نفر از شهروندان از جمله تعداد زیادی زن و کودک کشته و زخمی شدند. بدون این که بخواهیم وارد سابقه و بررسی کامل دشمنی عراق و آمریکا و به علل و انگیزه های هر دو طرف در برخوردیهای پیش آمده بپردازیم، می خواهیم تنها نظر خوانندگان را به یک جنبه توجه دهم که به ویژه در حمله اخیر بسیار عیان بود. چنان که حتی بسیاری از متحدان سابق آمریکا از موضع تضادشان با آمریکا و براساس منافع خود نه تنها با حمله اخیر همراهی نکردند بلکه هر کدام به شکلی و به زبانی یا مخالفت کرده یا بی تفاوت ماندند. از جمله فرانسه و سوئد که ابراز انزجار کردند، ایتالیا، مصر، ژاپن خواستار قطع حملات شدند و بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی، آسیایی... اما روسیه در سطح دولتها شدیدترین مخالفت را از خود نشان داد و سفیران خود را از آمریکا و انگلستان فراخواند و حمله نظامی را «تروریسم» بین المللی خواند و همینطور چین اقدام نظامی آمریکا را نقض آشکار بیانیه های شورای امنیت خواند. واتیکان حمله نظامی به عراق را تجاوز خواند. و اما مردم کشورهای عربی به طور خاص و در نقاط دیگر دنیا به طور عموم به شدت علیه حمله آمریکا و انگلیس واکنش نشان دادند. در قاهره رهبران مذهبی فتوای جهاد علیه آمریکا صادر کردند آن هم در حضور تظاهرات مردم. در دمشق مردم به سفارتهای آمریکا و انگلیس حمله کردند و پرچم آمریکا را آتش زدند. در اردن و فلسطین تظاهرات مشابهی شد... اما نقش متزلزل و چندگانه سازمان ملل نیز در جای خود قابل تأمل است و در این میان نقش آنسکام (کمیته ویژه تسلیحاتی سازمان ملل متحد) و به ویژه رئیس کمیسیون ویژه ریچارد ساتلر و رابطه اش با آمریکا آنچنان پی پرده و با منظور بوده که روزنامه نیویورک تایمز در شماره ۱۸ دسامبر نوشت: «ساتلر گزارشش را ۲ روز پیش از آن که به شورای امنیت بدهد به کلیتون که آن زمان در بیت المقدس به سر می برد داده بود...» و مسأله جاسوسی برای آمریکا آنقدر بالا گرفته که هم اکنون در رسانه های آمریکا یکی از بحثهای روز شده است... و اما از ماهیت، عملکرد و اشتباهات دولت عراق که بگذریم، آمریکا که خود را بانای حامی و هادی «نظم نوین» جهانی می داند در پس ادعاهای سطحی دفاع از «موکراسی»، «حقوق بشر» و «تمدن» که عمق و سطح آن تا حدی مجاز است که «نظم» فعلی «جهانی» را امضا کند. حاکمیت سرمایه و سود بوده و طبعاً هر جا این نظم مسالمت آمیز برقرار نشود و یا کسی قصد بر هم زدنش را داشته باشد اگر بتواند با حربه ها و امکانات داخلی و بین المللی که در اختیار دارد مانع برهم خوردن این «نظم» می شود اما آنجا هم که لازم باشد همی «ادعاهای» و محظوریتهای را کنار زده و آشکارا چنگ و دندان خونین و آهنین خود را

بقیه در صفحه ۱۲

خاطراتی از زندان (۳)

- الف کوهبان

درس عبرتی به دشمن، فرصتی برای فرار در میان صدای گوشخراش ملیجک خمیسنی (آهنگران) مرا از اتاق کثیف شکنجه وقتی بیرون آوردند نزدیک به عصر بود. مرا به طبقه دوم ساختمان بازجویی بردند. یک ورقه چاپی با آرم دادستانی جلوی من گذاشتند. روی آن با خودکار قرمز سوال شده بود: خود را کاملا با نامهای مستعار و مسئولیتها در سازمان چریکیا معرفی ننماید. ورقه را یکی از مزدوران شکنجه گر جلوی رویم گذاشت و رفت. از آنجایی که من از بدو زور هیچ غذایی نخورده بودم و توالیت هم نمی توانستم بروم سرم گیج رفت و با سر از صندلی بر روی زمین افتادم. و این باعث شد که آنها فکر کنند که من دست به خودکشی زده ام ولی وقتی دکتر مزدور شیخ الاسلام دوباره بالای سرم حاضر شد معلوم شد که کلیه های من از فرط خون مردگی از کنار افتاده اند. سریم را به بهداری بردند و به من سرم وصل کردند. در تمام لحظه ها می توانستم مسائل را حس کنم ولی توان حرکت به هیچ عنوان نداشتم. ساعت نزدیک به چهار صبح بود که من از جابم برخوردارم. روی دیوار یک ساعت سفید بزرگ دیده می شد و معلوم بود که از رژیم جنایتکار قبلی برای مزدوران تازه به دوران رسیده به ارث مانده است. پاسداری به نام منتظری که بقیه پاسداران یا بازجوها او را دست می انداختند و به مسخره به او دکتر منتظری می گفتند. بلافاصله به من نزدیک شد و گفت زود برو توالیت. من متعجب شدم که او از کجا می داند. غافل از این که این شکنجه گران مزدور بارها و بارها بر روی بهترین فرزندان خلق آزمایش کرده و تجربه اندوخته اند. وقتی خودم را به توالیت رساندم حس می کردم مثانه ام می خواهد بترکد و از آنچه می دیدم به وحشت افتاده بودم. چرا که به جای انداز خون از من جاری بود و از این جاری شدن خون، درد بسیاری حس می کردم. وقتی از توالیت بیرون آمدم می لرزیدم انگار در هوای سرد زمستانی قدم گذاشته باشم. کمی به خودم آمدم. متوجه شدم که پای برهنه در توالیتی کثیف و سراسر خیس و مملو از آب ایستاده ام. فکر کردم تنها هستم. کمی چشم بند را بالا بردم که میثم مزدور داد زد: چون یکن کار داریم!!! با همان حال مرا کشان کشان از پله ها به پایین بردند و از حیاط گذرانده به طبقه دوم ساختمان بازجویی بردند. در آنجا دوباره روز از نو روزی از نو شروع شد. روی ورقه از من سوال شد که خودت را معرفی کن. وقتی خودم را معرفی کردم از من چارت تشکیلاتی خواستند و وقتی خودم را به قول معروف به کوچه علی چپ زدم. مزدوران شروع به فحاشی و مشت و لگد زدن کردند و وقتی با اصرار من روبرو شدن که من حرف شما را نمی فهمم، یکی از بریدگان به نام علی... را بر بالای سرم حاضر کردند. وقتی دوباره با اصرار من روبرو شدند مرا کشان کشان دوباره به مسلخ گاه بردند. دوباره مرا به تخت بستند و مجددا عباس (شعبان بی مخ جمهوری اسلامی) و صابر شکنجه گر معروف یکی بر روی کمرم نشستند و دیگری اقدام به کابل زدن به کف پاهایم کرد. از فرط درد صابر مزدور را به سمت بالای سرم به طرف دیوار پرت کردم که این باعث عصبانیت زیاد شکنجه گران شد و ضربات کابل را با کلماتی نظیر الله اکبر، یا علی و امثالهم با شدت بیشتری می زدند و من عمق وجودم تنفر بیشتری به این مزدوران و عقایدشان پیدا می کردم و پیوسته رفیق لیلیا در نظر مجسم می کردم و رهنمودش را برای خودم مرور می کردم. مزدوران وقتی از زدن و شکنجه

خسته شدند. اعلام کردند وقت نماز است. مرا به همان حالت دست و پا بسته در اتاق شکنجه یا تعزیرا گذاشتند و خارج شدند. وقتی فضا آرام شد به فکر افتادم که اتاق را بهتر ببینم وقتی سرم را به بالا بلند کردم هر دو میچ دستم جداگانه و با دستبند به تخت بسته شده بود غرق در خون شده بود که جای آن هنوز حس باقی مانده است. وقتی اطراف را از زیر چشم بند نگاه کردم انواع کابلها و شلنگها از دیوار آویزان بود. در قسمتی دیگر متوجه یک رادیو ضبط استریو با دو میکروفون حساس شدم و دریافتم که هر آنچه به لب آورده می شود را ضبط می کنند. و بعد به عنوان اعتراف به جرم، از آن استفاده خواهند کرد و دیگر این که می توانم در خلال شکنجه مطالب و کلماتی را به زبان آورم که باعث فریب آنها در بازجوییهایشان شود و دیگر این که نام و آدرس افراد کمیته ای و حزب الهی را به نام مجاهد یا خریدار نشریه کنار به زبان آورم و علی خود راهی بود که من می توانستم خودم را در سطح علی... در تشکیلات فدایی نشان دهم نه بالاتر و دیگر این که آنها خواستار مسائل بالاتری از من نمی شدند. در همین افکار بودم که صدای نزدیک شدن پا به اتاق را حس کردم. در باز شد و ارادل و اوباش و شعبان بی مخها وارد شدند.

ابتدا دست و پایم را باز کردند و روی تخت نشاندند و سپس گفتند روی این ورقه چارت تشکیلاتی ات را رسم کن وگرنه دوباره به تخت قیامت می بندیمت. من که دیگر کنترل اعصابم به هم خورده بود با سر به شکم یکی از مزدوران حمله کردم که همه مزدوران مثل کفتاران که به یک شکار بی پناه حمله می کنند. به من حمله کردند و پس از مشت و لگد مرا دوباره به تخت قیامت بستند و شروع به کابل زدن کردند. از فرصت استفاده کردم نام علی... و رابطین او را که افراد حزب الهی و پاسداران کمیته بودند را به زبان آوردم. از من آدرس آنها را خواستند. گفتم نام خیابان را نمی دانم اما می توانم نشان دهم. این افراد کسانی بودند که علی... آنها را می شناخت و آنان نیز از مزدوران جمهوری اسلامی بودند. با این کار خواستم هشداری غیر مستقیم به او بدهم که کمی گوشمالی شود. همین طور هم شد. وقتی مرا از تخت باز کردند به حیاط آوردند و طبق معمول صابر شکنجه چی مرا وادار کرد که در جا بزنم. در حال درجا زدن بودم که صدای برادران! برادران! علی... را شنیدم که او را به سمت اتاق شکنجه می بردند. پس از قدری درجا زدن بی اختیار روی زمین نشستم. چند دقیقه نگذاشته بود که صدای به خدا دروغه، به قران دروغه، اونا حزب الهی هستند، اونا پاسدار هستند را شنیدم. بعد او را به طرف ساختمان بازجویی بردند. لحظاتی بعد مرا هم به طبقه دوم ساختمان بازجویی بردند. دریافتم که در آن طرف اتاقک چوبی می تواند علی... نشسته باشد. از من خواستند در ارتباط با این موضوع توضیح دهم. گفتم علی... مستقیما مسائل محرمانه نظامی این افراد را شخصا به بالای می فرستاد. همین باعث شد او مثل یک بمب منفجر شود و داد بزند که او دارد انتقام می گیرد. به خدا من فقط در ارتباط کاری به آنها سر می زدم آنها حتی نمی دانند من چه عقیده و مراسمی داشتم. مسئول ارتباطات خودش بود با مسعود. مزدوران از من قرار رفیق مسعود را می خواستند. وقتی دوباره شروع به زدن کردند، دوباره با یاد و با اتکا، به حرفها و اندیشه ها و مقاومتهای رفیق دلاور شهید لیلیا تصمیم به فرار از زندان را گرفتم. طوری وانمود کردم که از فرط درد زیاد این کلمات را غیر ارادی به زبان آوردم و ادرس بستنی فروشی... را دادم. بعد مرا باز کردند و زمان و مکان علامت سلامتی را پرسیدند و حساسی آنها را سر کار گذاشتم و قرار شد که مرا به آنجا ببرند و از آنجایی که

کلیه کارکنان آنجا مرا خوب می شناختند و من هم از موقعیت آن بستنی فروشی کاملا مطلع بودم. رویای فرار را در سر پروراندیم. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر لباسهای مرا آوردند و پوشاندند کفشهایم اصلا اندازه پاهایم نبود. کفش بزرگی برایم آوردند. به محل قرار رفتیم. قبل از خارج شدن از ماشین حاج رضا گفت هوس آرتیست بازی نکنی که در جا می کشیبت. در دل به حرفهای او خندیدم که چقدر احمق هستند و با دست خودشان موقعیت فرار مرا ترتیب می دهند.

قبل از من یکی از مزدوران وارد بستنی فروشی شد و ژتون بستنی گرفت و در وقت ورود به من داد که من در میزی تنها بنشینم. بستنی فروشی خیلی شلوغ بود و من از این فرصت استفاده کردم و در کنار شیرهای آب سرد که نزدیک به درب محل ساختمان بود نشستم. هر وقت به جلوی درب خیره می شدم آنها هم خیره می شدند. وقتی آن محل شلوغ تر می شد. بین من و مزدوران برای لحظه ای تعدادی قرار می گرفتند. و من از این موقعیت استفاده کردم و بلافاصله از درب محل کار کارگران بستنی فروشی داخل شدم. و از آنجا خودم را به گاراژ پشت آن رساندم ولی به دلیل وضع جسمی ام. ب هکندی حرکت می کردم. چیزی نگذشت که خودم را سریم با بیمارستان... رساندم و در قسمت اورژانس در گوشه ای نشستم. در همین افکار بودم که چگونه از اینجا خارج شوم و چگونه محل راترک کنم که دستگیر نشوم که یکبار به دسته کلت محکم به سرم کوبیدند که باعث خونریزی نیز شد و مرا دوباره به همان ماشین گوجه ای رنگ با دربیهای کشویی انداختند و به سمت کمیته مشترک قدیم حرکت کردند. ادامه دارد

"نظم نوین" چنگ و دندان نشان می دهد

بقیه از صفحه ۱۱

نشان می دهد و به کار می گیرد. و بدید ترتیب عمق درک، بینش و خواست خود را از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، ترقی و تمدن و... به نمایش می گذارد.

اگر چه نیاکان رهبران امروزی آمریکا از این قبیل کارها در تاریخ خود کم نکرده و به ویژه در ویتنام درس فراموش نشدنی گرفتند و پرده از بسیاری از ادعاهایشان برداشته شد. اما امروز جهان بسیار تغییر کرده و نیازمند تحلیل، بررسی و تنظیم رابطه ای جدید می باشد. اما این عمل آمریکا در زمانی دیگر و در شرایطی متفاوت بار دیگر ماهیت نظام و ایدئولوژی که مبتنی بر استثمار به هر شکل و با هر ادعایی باشد را آشکارتر از قبل نشان داد و از این زاویه قابل اهمیت بوده و خواهد بود و ضربه ای است از نظر سیاسی و ایدئولوژیک که به اعتبار و حیثیت نظم نوین جهانی و سردمدار آن و همه حامیان و مرعوب شدگان و شیفتگان آن وارد شده است.

این تجربه باید بار دیگر عزم ما را در احترام عمیق و کامل و همه جانبه به دموکراسی و خواست و رأی و نظر مردم و حقوق بشر و ترقی و پیشرفت جامعه... و در ریشه کن کردن استثمار در تمامی اشکالش جزمت و ایمانمان را ب راه رهایی بشر از مسیر نفی روابط و مناسبات استثمارگرانه و ناعادلانه و ظالمانه قوی تر کند. این است معنی کامل کردن و عمق و گسترش دادن بیشتر دستاوردهای بشری در تمامی زمینه هایی که تاکنون به دست آمده و این است معنی تکامل، ترقی، پیشرفت، آزادی، رهایی و رسیدن به حقوق بشر...

فرازهایی از بهمن خونین

یادی از دو فدایی خلق

در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۲ خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان، دو مبارز انقلابی توسط رژیم شاه تیرباران شدند. جرم آنان دفاع از محرومان و اعتراض به دیکتاتوری بود. دفاعیات این دو فرزند انقلابی مردم ایران در بیدارگاههای رژیم شاه. بعد از انقلاب در سالگرد اعدامشان یعنی یک هفته بعد از سرنگونی رژیم شاه در ۲۹ بهمن ماه سال ۵۷ از تلویزیون پخش شد. این دفاعیات در کیهان ۳۰ بهمن (فردای پخش برنامه) چاپ شد. قسمتهایی از دفاعیات گلسرخی به نقل از کیهان ۳۰ بهمن ۵۷ چنین است: «... من در این دانشگاه برای جانم چانه نمی زنم. حتی برای عمرم چانه نمی زنم. من قطره‌ی ناچیز از عظمت و حرمان خلقهای مبارز ایران هستم. خلقی که مزدکها و مازیارها و بابکها و یعقوب لیثها و ستارها و حیدرعمواوغلیها و پسیانها و میرزا کوچک خانها و ارنایها و روزبه‌ها و وارطانها داشته‌اند. آری من برای جانم چانه نمی زنم چرا که فرزند خلقی مبارز و دلاور هستم... دانشیان نیز در دفاعیات خود گفت: «در بیدارگاه اول بنا بر شرایط فاشیستی حاکم بر آن دفاع مرا ناتمام شنیدید همچنین دفاع دوستم خسرو گلسرخی را. اما من دفاع جز دفاع از حقوق توده‌های فقیر و تحت ستم و حمله به ضد انقلاب و دشمنان قسم خورده مردم چیز دیگری نیست. اگر وحشتی از نیروی انقلابی و مبارزات مردم ندارید و در واقع به سرگ طبقه حاکم بر ایران مؤمن نیستید. تاریخ این واقیبت را نشانمان خواهد داد. ایمان ما به پیروزی جنبش نوین ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان، عظیم‌ترین قدرت است و این را بگویم که مارکسیسم هیچگاه مورد خوشایند طبقه حاکم و وابستگان آنها نیست.»



خسرو گلسرخی



کرامت دانشیان

روزنامه کیهان ۶ اسفند ۱۳۵۷ نیز وصیتنامه گلسرخی و کرامت دانشیان را که از جمله اسنادی بود که در حمله و فتح زندان قصر به دست سازمان چریکهای فدایی خلق افتاده بود و در اختیار مطبوعات قرار گرفت چاپ کرد. در وصیتنامه گلسرخی از جمله آمده است: «من یک فدایی خلق ایران هستم و شناسنامه من جز عشق به مردم چیز دیگری نیست. من خونم را به توده‌های گرسنه و پا برهنه ایران تقدیم می‌کنم و شما آقایان فاشیستها که فرزندان خلق محروم ایران را بدون هیچگونه مدرکی به قتلگاه می‌فرستید. ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران، انتقام فرزندان خود را خواهد گرفت... در وصیتنامه دانشیان آمده است: «... مرگ ناچیزترین هدیه‌ها برای پیروزی مردم است. هر مرگ دریچه‌ی بی‌استی است که به روی تبااهی بسته می‌شود، هر مرگ دریچه‌ی بی‌استی است که به روی دروغ، فحشا، فقر و گرسنگی بسته خواهد شد و آنگاه دریچه‌ی بی‌باز خواهد شد که از آن نور زندگی بتاید. به این نور تن بسپاریم. به این نور. فدایی مردم. کرامت دانشیان.»



۲۱ سال پس از خیزش مردم قهرمان تبریز

روز ۲۹ بهمن یادآور قیام و خیزش خلق قهرمان تبریز علیه نظام ستم شاهی است. در روز ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ مردم به جان آمده از ظلم و جور رژیم شاه چنان به پا خاستند که در باور هیچ یک از اعمال رژیم شاه نمی‌گنجید. صبح روز شنبه ۲۹ بهمن اکثر مغازه‌ها در اعتراض به سیاستهای ضد مردمی شاه بسته بود. مردم گروه، گروه برای نمایش اعتراض خود در کوچه‌ها و خیابانها جمع شده بودند. جرقه زده شد و در عرض چند ساعت اکثر اماکن دولتی، بانکها، سینماها و اتوبوسهای دولتی مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. دود سیاه و غلیظی فضای شهر تبریز را فرا گرفت و رژیم شاه در هراس از این حرکت مردمی بخشی از ارتش ضد مردمی را برای سرکوب قیام به خیابانها کشاند. عده‌ای از مردم توسط مزدوران به شهادت رسیدند. فردای آنروز برای کاذب جلوه دادن اعتراض مردم، آموزگار نخست وزیر وقت به تبریز آمد، اجتماعاتی تشکیل شد و مردم به زور از ادارات دولتی به این اجتماعات کشانده می‌شدند. آموزگار به دروغ قیام مردم را به خارجینا نسبت داد ولی حرکات پعی و خیزشهای مردم در تمامی شهرهای ایران دروغگویی آنها را برملا ساخت و نشان داد که قیام مردم تبریز یک خیزش خلقی بوده است.

مردم قهرمان ایران اکنون به خوبی می‌دانند که آخوندهای مرتجع با سوء استفاده از موقعیت به دست آمده بر موج انقلابی سوار شده و آن را به بیراهه کشانده و خود بر مسند قدرت نشستند. دستاوردهای قیام مردمی را یکی پس از دیگری از دست آنها ربودند جنگ ضد میهنی را به راه انداخته و میلیونها تن از جوانان را در میدانهای جنگ به کشتن داده و یا معلول کردند در سایه همین جنگ به سرکوب نیروهای مردمی مبادرت کرده بیش از یک صد هزار تن از بهترین و پاکترین فرزندان خلق را در شکسجهاگهاها و میدانهای تیر به شهادت رساندند و مخوفترین نظام استبدادی مذهبی را به مردم ایران تحمیل کردند. اکنون دیگر پس از بیست سال سرکوب خونین و اعترافات اخیر سران رژیم در بودن و به قتل رساندن نویسندگان و روشنفکران به خوبی ثابت شده که تنها راه رهایی و سرنگونی رژیم غدار ولایت فقیه مقاومت مسلحانه و مبارزه مسلحانه مردمی است.

جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آذربایجان - بهمن ماه ۱۳۷۷

۱۴ بهمن ۱۳۱۸ - شهادت کمونیست انقلابی، دکتر

تقی ارانی

۱۱ بهمن ۱۳۵۰ - شهادت مجاهد خلق احمد رضایی در درگیری حماسی با مزدوران رژیم شاه (اولین شهید مجاهد خلق)

۲۹ بهمن ۱۳۵۲ - اعدام دو تن از مدافعان سرسخت جنبش مسلحانه انقلابی، رفقای فدایی خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان توسط مزدوران رژیم شاه

۱۶ بهمن ۱۳۵۴ - شهادت مبارزه انقلابی، مصطفی شجاعیان در درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم شاه

۲۹ بهمن ۱۳۵۶ - قیام خونین مردم تبریز علیه دیکتاتوری شاه

۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - در جریان قیام مسلحانه مردم تهران، فدایی خلق بانک سیلابی در حمله به پادگان عشرت آباد، فدایی خلق خسرو پناهی در حمله به کلانتری ۶ تهران، مبارز انقلابی محمدعلی ملکوتیان در حمله به پادگان جمشیدیه و نیز رفیق فدایی، قاسم سیادتی عضو مرکزیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در جریان فتح مرکز رادیو ایران، به شهادت رسیدند.

۲۹ بهمن ۱۳۵۸ - چهارآذرخش شب ترکمن، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی به دست مزدوران رژیم خمینی به شهادت رسیدند.

۱۹ بهمن ۱۳۶۰ - شهادت انقلابی کبیر، مجاهد خلق موسی خیابانی، اشرف ربیعی سمبل زن انقلابی مجاهد خلق و ۱۷ تن دیگر از کادرها و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران با مزدوران رژیم خمینی

۲۳ بهمن ۱۳۶۱ - شهادت یازده تن از پیشمرگان فدایی طی یک درگیری خونین با مزدوران رژیم خمینی در جاده بوکان - سقز. در این درگیری فرمانده عملیات رفیق فدایی مسعود رحمتی به شهادت رسید.



دکتر تقی ارانی

اشغال دفتر کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد

روز گذشته جمعی از فعالان سیاسی و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی در هلند و کانون فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، از ساعت ۱۱ صبح تا سه بعد از ظهر در اعتراض به گزارش جدید وزارت امور خارجه هلند و اعتراض به سکوت کمیساری عالی پناهندگان در برابر این گزارش که علیرغم ادامه کشتار و سرکوب در ایران و به ویژه کشتار نویسندگان و روشنفکران، ایران را امن اعلام می کند، دفتر کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد در لاهه (دنیهای) را اشغال نموده و خواستار آن شدند که گزارش فعلی وزارت امور خارجه هلند در مورد شرایط ایران کنار گذاشته شود و یک گزارش کامل در مورد نقض حقوق بشر در ایران توسط سازمانهای غیر دولتی مدافع حقوق بشر تهیه شود. اعتراض کنندگان در ساعت سه بعد از ظهر طی مذاکره با مسئولان دفتر کمیساری عالی پناهندگان، محل را ترک کردند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۵ فوریه ۱۹۹۹ برابر با ۱۶ بهمن

بازگرداندن پناهندگان از هلند

کابینه هلند اعلام کرد که ایرانیانی که از این کشور پناهندگی دریافت نکرده اند، باید به ایران بازگرداند. قائم مقام وزیر دادگستری هلند، جاب کوهن، در اطلاعیه‌ای که برای کابینه این کشور صادر کرد، اعلام نمود شرایط در ایران هم اکنون برای آن دسته از ایرانیانی که به طور موقت در هلند اقامت دارند، به اندازه کافی امن می باشد که آنها بتوانند به کشورشان بازگردند. او برنامه های عاجلی را برای آغاز اخراج این پناهندگان مشخص نکرد. در حدود ۴۶۰۰ ایرانی هم اکنون در مراکز پناهندگی هلند به سر می برند. دولت همچنین اعلام کرد که صدور جواز اقامت کوتاه مدت را برای پناهجویان ایرانی که شرایط کافی برای پناهندگی را ندارند را متوقف خواهد کرد اما در هر حال اعلام کرد که آنها همچنان به پناهجویان ایرانی که مورد آزار و تعقیب قرار می گیرند، از جمله روشنفکران، نویسندگان، خبرنگاران، همجنس بازان و نیز اعضای فرقه مذهبی بهایی پناهندگی اعطا خواهد کرد.

خبرگزاری رویتر ۲/بهمن/۷۷

گوش کردن

رادیو اسرائیل ۴/بهمن/۷۷: به نوشته هفته نامه امید جوان، امام جمعه شاهین شهر، حجت الاسلام قاسمی، دگراندیشان و آزادیخواهان ایران را به شدت مورد حمله قرار دارد و از جمله گفته است: «من نه به عنوان امام جمعه یا یک طلبه، که به عنوان یک شهروند می گویم، بعد از این هر کس در جهت خلاف مصالح ملت حرف بزند، من توسط بازوان قوی این جودانها گوش او را از بن می کنم.»

اعتراض به سفر خرازی

خرازی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، امروز وارد پاریس شد و از جانب مقامات فرانسه مرد استقبال قرار گرفت. قرار است این تروریست فردا با ژاک شیراک ملاقات کند. در شرایطی این جنایتکار تروریست مورد استقبال مقامات فرانسه قرار می گیرد که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مجبور به قبول مسئولیت قتل تعدادی از فعالان سیاسی و نویسندگان ایرانی شده است و این در حالی است که چندی قبل دادگاه میونسو سران رژیم ایران را مسئول ترورها در خارج از ایران اعلام نمود. دیدار خرازی از پاریس که در جهت تدارک مسافرت خاتمی به فرانسه صورت می گیرد موجب انزجار و تنفر ایرانیان ساکن اروپا و امریکای شمالی شده است. هزاران فاکس اعتراضی در محکوم نموده این دیدار و دیدار آتی خاتمی به سفارتخانه های فرانسه در کشورهای مختلف ارسال شده است.

فرانسه با چشم پوشی از نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر توسط رژیم ایران، به ابتدایی ترین پرنسپهای خود پشت پا زده و حقوق بشر را قربانی معاملات شرم آور تجاری با جمهوری اسلامی می نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از فعالیتهای گوناگون ایرانیان برای لغو سفر خاتمی به فرانسه پشتیبانی کرده و خواستار تداوم این فعالیتها به اشکال مختلف است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۳/ بهمن ۱۳۷۷

تغییر وزیر اطلاعات و ضرورت ادامه مبارزه برای اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی به ایران

سرانجام امروز خامنه ای با یک عقب نشینی مفتضحانه مجبور به پذیرش تغییر وزیر اطلاعات شد. این عقب نشینی در حال صورت می گیرد که مدتی قبل کمیته تحقیق خاتمی با اعلام این که قتل مخالفان سیاسی و نویسندگان یک کار محفلی بوده، درصدد برآمده بود تا جنایتهای وزارت اطلاعات را لاپوشال کند. اما مبارزه و مقاومت مردم ایران و فعالیت گسترده ایرانیان در خارج کشور و فشار افکار عمومی بین المللی و منجمله قطعه نام اخیر پارلمان اروپا سرانجام رژیم را مجبور به یک عقب نشینی دیگر نمود. تغییر وزیر اطلاعات یک بار دیگر نشان می دهد که باند جنایتکار حاکم و وزارت اطلاعات ولایت خامنه ای مسئول تمام ترورها و قتلهای سیاسی است. دارو دسته جنایتکار خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی کوشش می کنند تا اسرار جنایتهایشان افشا نشود و تا آن جا که ممکن است با عقب نشینیهای کوچک از خواست اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی به ایران سرباز زنند. مبارزه و تلاش همگانی برای اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی به ایران باید همچنان ادامه یابد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یکت بار دیگر خواستار یک سیاست قاطع از طرف سازمانها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر به رژیم ایران برای پذیرش یک هیأت تحقیق بین المللی است. ما از تمامی تلاشهایی که در این راه صورت می گیرد، پشتیبانی می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران/۲۰ بهمن ۱۳۷۷

نشریه مجاهد منتشر نمود

اسامی و مشخصات ۳۲۰۸ تن از
زندانیان مجاهد قتل عام شده

نشریه مجاهد در شماره ۴۲۷ خود اسامی و مشخصات ۳۲۰۸ تن از زندانیان مجاهد قتل عام شده در سال ۶۷ را منتشر نموده است. در توضیح انتشار این لیست که گوشه ای از جنایتهای بی شمار خمینی را منعکس می کند نوشته شده: «پس از گذشت ده سال هنوز ابعاد و اسرار این قتل عام هولناک در کم و کیف واقعی ناشناخته است. هنوز هزاران خانواده از سرنوشت فرزندانشان بی خبرند. هنوز رژیم آخوندها هیچ اطلاعی از سرنوشت هزاران زندانی سیاسی که نام و مشخصاتشان در زندانها و دادگاههایش ثبت شده بسود و محکومیهتهای مشخص داشتند، به خانواده هایشان نداده است.» نشریه مجاهد توضیح می دهد که «فهرست حاضر براساس اطلاعات و تحقیقات انجام شده در داخل کشور و استفاده از گزارشهای زندانیان از بند رسته تنظیم شده است. هم چنین طی سالهای اخیر، شماری از اسیران مجاهد و سایر هواداران مجاهدین که در کار جمع آوری و تکمیل این فهرست در داخل کشور شرکت داشتند، در این مسیر جان باخته اند.»

انتشار این لیست یک اقدام برجسته است که می تواند در افشای سیاستهای سرکوبگرانه رژیم نقش مهمی داشته باشد. نبردخلق ضمن آرزوی موفقیت برای دست اندرکاران تهیه این لیست و نشریه مجاهد، یاد و خاطره همه ی آثانی که در این سال به دست جلادان رژیم قتل عام شدند را گرامی می دارد.

تظاهرات علیه سفر خاتمی

روز ۹ بهمن گروهی از ایرانیان مقیم ایتالیا، در مقابل پارلمان این کشور در رم دست به تظاهرات زدند. به گزارش رادیو بی بی سی این تظاهرات به دعوت سازمان دموکراتیک زنان ایران و در اعتراض به دعوت دولت ایتالیا از محمد خاتمی برای سفر به این کشور صورت گرفت. از دیگر موارد اعتراض تظاهرکنندگان، قرارداد مسئله ایران در دستور کار ملاقات نخست وزیر ایتالیا با بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا و حمایت او خاتمی بوده است. در جریان این تظاهرات ایستاده، چندین نفر از وکلای پارلمان ایتالیا و پارلمان اروپا و همچنین نماینده گروه هلسینکی که از حقوق بشر دفاع می نماید صحبت نمودند. نمایندگان مجلس ایتالیا از دولت خواستند که در جریان سفر خاتمی، مسأله حقوق بشر در دستور کار قرار گیرد.



NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION
No : 165 20. Feb . 1999

| | |
|--|---|
| NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex / FRANCE *** | NABARD Postbus 593 6700 AN Wageningen HOLLAND *** |
| NABARD P O Box 10400 London N7 7HX ENGLAND *** | NABARD Post fach 102901 50460 Koln GERMANY *** |
| NABARD P O Box. 3801 Chantilly, VA 20151 U S A *** | NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA *** |

E.Meil:
nabard@club-internet.fr
nabard@hotmail.com

صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در روی شبکه اینترنت
[http:// www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

نامه های رسیده



معرفی کتاب —

تداوم

تداوم، گفتگویی است با مهدی سامع که در آن به مسائل زیر پرداخته شده است:
- از کجا می آیم
- تاریخچه سازمان
- نظری کلی بر انشعابهای درون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- سوسیالیسم - مرگ و تولدی دیگر
- پایه های سوسیالیسم در قرن بیست و یک (مبانی منشور سازمان)
- زن فدایی
- مبارزه مسلحانه
- ما و شورا
- وحدت و جبهه وسیع
- سفر به آمریکای شمال
- تداوم
قیمت کتاب معادل ۲۵ فرانک فرانسه. ۷ مارک آلمان و ۵ دلار آمریکا است.
برای دریافت کتاب با ارسال قیمت آن با آدرسهای آلمان، هلند و آمریکا مکاتبه کنید.

- خانم هاله از هلند، متأسفانه نشریه شما برگشت خورده است.
- آقای محمود مقصدولو از آمریکا، نشریه شما برگشت خورده است.
- آقای حمیدرضا یزدی از انگلیس نشریه شما برگشت خورده است.
- آقای نصرت الله آهنگر از آلمان، پیام تریک شما به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل دریافت شد. از شما صمیمانه سپاسگزاریم.
- آقای مسعود خواجه علی مطلب شما تحت عنوان «شبهه سازیهای ضروری برای نیل به اهداف ارتجاعی» رسید. از همکاری شما با نبرد خلق تشکر می کنیم.
- آقای منوچهر مرعشی از هلند، ضمن گرامیداشت حماسه شياهکل و آفرینندگانش، شعر شما با عنوان «راه» برای راهگشایان قهرمانی که با عزم، رزم و خون خویش پیروزی خلق و انقلاب را در نیمه های شبی سهمگین و تیره نوید دادند و همه آنانی که بن بست مبارزاتی خلق را با بییش، دانش و عمل انقلابی خویش شکستند را دریافت کردیم. در ضمن مطالب شما با عنوانهای «بیانیه ملی» راهی برای گسترش مبارزه، «کمی بیشتر آشنا شویم» به دستمان رسید. از همکاری شما سپاسگزاریم.
- خانم سارا ارمنی مطلب شما با عنوان «شعر «هومر» و اعتراف اروپا.....» رسید. باتشکراز شما برایتان موفقیت آرزو می کنیم.
- آقای صدی از هلند ۱۰۰ گلدن کمک مالی
- آقای رستم صنیعی از هلند ۵۰ گلدن کمک مالی
- آقای رامین فراهانی از هلند، ۳۵ گلدن حق اشتراک شما دریافت شد.

اعتراض به ایراد تهمت و افترا به یک خبرنگار و جلوگیری از تهیه گزارش خبری از تظاهرات در شهر هانور

آقای محسن مقصدوی، مسئول برنامه تلویزیونی همبستگی، طی یک نامه به کانون نویسندگان ایران در تبعید که متن آن برای نبرد خلق نیز فاکس شده است، مراتب اعتراض شدید خود را نسبت به ایراد تهمت و فحاشی و جلوگیری از کار تهیه خبر و گزارش با توسل به زور از سوی مسئولین برگزاری، در تظاهراتی که به نام کانون نویسندگان در شهر هانوفر آلمان برگزار گردید، را اعلام کرده است. این تظاهرات روز ۲۳ ژانویه برگزار شده است. مسئول برنامه تلویزیونی همبستگی طی یک نامه سرگشاده به آقای کامبیز روستا، می نویسد: «در گیر و دار تهیه گزارش، مسئولین برگزاری تظاهرات آمده و با تهدید و ارباب مانع ادامه کار خبررسانی شدند. به اتفاق ایشان به پلیس مراجعه کردیم. آقایان در مقابل پلیس این اتهام سخیف را مطرح کردند که من با جمهوری اسلامی کار می کنم، افسر پلیس توضیح داد که این تظاهرات علنی است و در محیط باز صورت می پذیرد و من می توانم به کارم ادامه دهم، دوباره به صفوف تظاهرات برگشته و به کار تهیه گزارش ادامه دادم. بعد از چند دقیقه ای این بار طالبان وار، گروهی از مسئولین برگزاری تظاهرات که تحریک شده بودند به من حمله ور شدند و با فحش ریکه و ناسزا و تهدید و ارباب مانع از تهیه گزارش شدند.»

آقای محسن مقصدوی در پایان نامه به کانون نویسندگان در تبعید می نویسد: «ضمن اعتراض شدید به رفتار ناشایست برگزارکنندگان تظاهرات هانوفر، خواهان موضع گیری کانون نویسندگان ایران (تبعید) نسبت به این تعدی به آزادی هستم.»

ارس

در شبکه جهانی اینترنت

<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبرد خلق را مطالعه کنید.

از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

کتابهای رسیده به نبرد خلق:

در این ستون به معرفی کتابهایی که برای نبرد خلق ارسال می شود می پردازیم.



شماره نخست تحفه درویش از طرف بنیاد معرفتی «جوهره» توسط انتشارات نور، در پاریس منتشر شده است. برای دریافت این کتاب با شماره فاکس زیر تماس بگیرید.

۳۳۱-۴۲۸۴۲۳۴۷

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX FRANCE

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :

Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

اروپا ۷۵ فرانک فرانسه
آمریکا و کانادا ۱۸ دلار آمریکا
تک شماره ۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE
کد گیشه : 03760
شماره حساب : 00050097851
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

بین الملل بی پرئسیبها

— زینت میرهاشمی

ربودن عبدالله اوجلان رهبر حزب کارگران کردستان و انتقال او به ترکیه، چشم جهانیان را به توطئه گری کشورهای بزرگ سرمایه داری که برای رونق بازار و تجارت خود هر پرئسیبی را زیر پا می گذارند، باز کرد. حزب کارگران کردستان که در کردستان ترکیه مبارزه می کند، سالهاست که تحت سرکوب دولت ترکیه قرار دارد. سیاستهای شوینبستی این دولت در قبال مردم کردستان بر کسی پوشیده نیست و تاکنون هزاران خبر و گزارش پیرامون جنایتهای ارتش ترکیه در منطقه کردستان ترکیه و شمال عراق انتشار یافته است. در مقابل این جنایتها حزب کارگران کردستان به مبارزه مسلحانه دست زده و تاکنون بسیاری از نیروهای این حزب در مبارزه ی رودررو و یا در زندانهای ترکیه جان باختند. سیاست اصلی حزب کارگران کردستان، ایجاد یک کشور مستقل کردستان است و این حزب در بعضی تاکتیکهای خود دچار خطاهای جدی شده است. با این حال نباید تردید کرد مسئول اصلی جنایتهایی که در کردستان ترکیه صورت گرفته، دولت ترکیه است و هر کد مبارز کردستان ترکیه حق دارد تا از حقوق پناهندگی استفاده کند. وقتی آقای عبدالله اوجلان در اثر سازش دولت سوریه با دولت ترکیه مجبور به ترک سوریه و لبنان شد، ابتدا به روسیه و سپس به ایتالیا وارد شد و نیروهای مدافع حقوق بشر و دهها هزار کرد طرفدار این حزب، و همه نیروهای ترقیخواه خواستار آن شدند که ایتالیا به وی پناهندگی سیاسی اعطا کند. اما دولت ایتالیا حاضر نشد بر روی پرئسیبهای اعلام شده خود بایستد و این پرئسیبها را قربانی تجارت نمود. آقای عبدالله اوجلان مجبور به ترک ایتالیا شد. دولت یلتسین قبل از آن حاضر نشده بود که به اوجلان پناهندگی سیاسی دهد. پس از خروج رهبر پ.ک.ک از ایتالیا و در حالی که گفته می شد دولت یونان در صدد است تا به او پناهندگی سیاسی اعطا کند، دولت ترکیه با پشتیبانی آمریکا، بر تمام کشورها فشار وارد آورد و سرانجام در یک توطئه جمعی که در آن آمریکا، دولتهای اروپایی (به ویژه دولت یونان) و دولت ترکیه و کنیا شرکت داشتند، عبدالله اوجلان در کنیا ربوده شد و به شکنجه گاههای ترکیه انتقال پیدا کرد. ربودن عبدالله اوجلان بی پرئسیبی کامل دولت آمریکا و دولتهای اروپایی را نشان داد. مشت بسیاری از مدعیان حقوق بشر و مدافعان اعلامیه جهانی حقوق بشر را باز کرد و نشان داد ادعاهای محافل انحصاری سرمایه داری و دولتهای تابع آنها، وقتی پای منافع اقتصادی آنان در میان باشد، چگونه رنگ می بازد. اکنون عبدالله اوجلان در زندانهای ترکیه زیر شکنجه قرار دارد. قرار است او را در ماه آوریل محاکمه کنند و شاید پس از آن اعدام شود. در مقابل این بی پرئسیبی آشکار در ربودن عبدالله اوجلان، موجی از اعتراض، خشم و نفرت جهان را فرا گرفته است. در مقابل بین الملل بی پرئسیبها، یک همبستگی جهانی برای دفاع از حقوق انسانی عبدالله اوجلان به وجود آمده است. ربودن او برخلاف قوانین و پرئسیبهای اعلام شده ملل متحد است و او باید از زندانهای ترکیه آزاد شده و به عنوان پناهنده پذیرفته شده و به یک کشور دیگر منتقل شود.

ربودن عبدالله اوجلان را محکوم می کنیم

روز گذشته، در یک معامله ننگین بین دولتهای آمریکا، اروپا و ترکیه، آقای عبدالله اوجلان دبیر کل حزب کارگران کردستان (ترکیه) در کنیا ربوده شد و بلافاصله به ترکیه انتقال داده شد. این آدم ربایی، نقض آشکار بیانیه ها و کنوانسیونهای ملل متحد پیرامون حقوق بشر است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدام ضد انسانی، خواستار آزادی سریع آقای عبدالله اوجلان و انتقال او به یک کشور امن می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران/ ۲۸ بهمن ۷۷

تضمین امنیت جانی و حقوق انسانی اوج الان یک وظیفه مبرم است

مقاومت ایران توطئه ربودن و استرداد آقای اوج الان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه را به عنوان نقض شرم آور و منجر کننده اعلامیه جهانی حقوق بشر و حق مقدس پناهندگی قویا محکوم میکند.

تأمین امنیت جانی و حقوق انسانی اوج الان اکنون یک وظیفه مبرم در برابر کلیه سازمانها و مجامع بین المللی و همه طرفداران حقوق بشر است که باید صرفنظر از عقیده و مشی سیاسی و عملکرد وی و اتهامات عنوان شده از سوی دولت ترکیه، در هر حال تضمین گردد.

به این ترتیب در آستانه هزاره سوم میلادی و همزمان با پنجاهمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر که مقرر می دارد هر کس حق دارد «محل اقامت خود را انتخاب کند» (ماده ۱۳) و «هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و به کشورهای دیگر پناهنده شود» (ماده ۱۴) همه دولتها و ارگانهای ذریبط و مدافعان حقوق بشر در این مورد به آزمایش کشیده می شوند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۸ بهمن ۱۳۷۷ (۱۷ فوریه ۱۹۹۹)

شهادت سه تن از مسئولین خبات

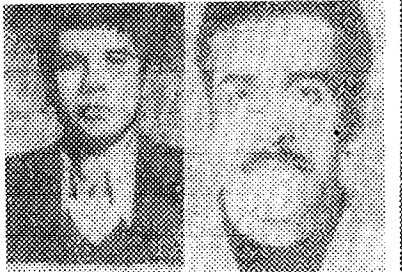
اطلاعیه دفتر سیاسی سازمان مبارزه ملی و اسلامی کردستان ایران (خه بات)

روز ۱۲ بهمن ۱۳۷۷، در یکی از پایگاههای سازمان خه بات، در اثر اشتباه در یکارگیری اسلحه، سه تن از فرزندان غیور و فداکار و پیشمرگان دیرین سازمان به شهادت رسیدند. شهید کاک عبدالله احمدپور، عضو کمیته مرکزی سازمان، شهید کاک رحمان قادری، مشاور کمیته مرکزی سازمان و شهید علی اشرف مرادی، کادر تشکیلات سازمان دفتر سیاسی سازمان خه بات، به شهادت رسیدند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت سه تن از مسئولان سازمان خه بات را به خانواده و دوستان آنان تسلیت می گوید.

شهادت فدایی اسفند ماه

در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند



فدایی خلق رفیق رفیق نظام فدایی خلق رفیق محمد رضا بهکیش (کاظم)

رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سولانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آرتنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوتنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بننام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیسانی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - حمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد ذوریان - جلیل خواری نسب - سعید عقیقی - علی خدیقی - عبدالرحیم صبور - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طر سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای، تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

قتل یک پاسدار در کرج

روزنامه رسالت خبر داد یک عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرج به دست افراد ناشناسی به قتل رسید. همسر مقتول گفت فرد یا افراد ناشناسی به درب منزل ما مراجعه و گفتند به همراه همسرم به محل کار وی می روند اما همان شب جسد همسرم در کنار خیابان کشف شد.

روزنامه آریا ۱۱ بهمن ۷۷

برنامه رادیویی انجمن دفاع از زندانیان سیاسی

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی در پاریس طی اطلاعیه ای اعلام کرد که از این پس برنامه رادیویی هر دو هفته یک بار پخش خواهد شد. این برنامه هر ماه دو برنامه (دومین و آخرین پنجشنبه هر ماه)، از ساعت ۱۸ تا ۱۹ پخش و همان برنامه ها روز بعد از ساعت ۱۱ تا ۱۲ تکرار خواهد شد. طول موج رادیو: 106,3 F.M.